



دریادار شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی ارتش در آیین گرامیداشت و یادبود شهدای نیروی دریایی ارتش در جنگ رمضان در جمع تعدادی از خانواده شهدا در شهر مقدس قم، با تجلیل از صبر و استقامت خانواده‌های معظم شهدا و جاویدالانران، تأکید کرد: شهدای نیروی دریایی ارتش با ایثار و جان‌فشانی خود، عزت، امنیت و اقتدار کشور را تضمین کردند و خانواده‌های آنان همواره عضو جدایی‌ناپذیر خانواده بزرگ نیروی دریایی خواهند بود. دریادار ایرانی در دیدار با خانواده‌های معظم شهدای نیروی دریایی ارتش، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره امام راحل، رهبر شهید انقلاب اسلامی و شهدای والا مقام، اظهار کرد: اگر امروز جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان ایستاده است، این ایستادگی مرهون خون پاک شهدا و مجاهدت هم‌زمانی است که با ایمان و اخلاص از آرمان‌های انقلاب اسلامی دفاع کردند.

وی با اشاره به داغ از دست دادن جمعی از کارکنان نیروی دریایی در حملات دشمن، گفت: درد فراق این عزیزان تن‌ها متعلق به خانواده‌های آنان نیست؛ نیروی دریایی نیز فرزندان برومند خود را از دست داده و خود را در غم این خانواده‌ها شریک می‌داند. فرمانده نیروی دریایی ارتش با بیان اینکه شهدای این نیرو حتی پس از شهادت نیز منشأ عزت و اقتدار کشور هستند، خاطرنشان کرد: این شهدا با ایثار خود، نقشه‌های دشمن را خنثی کردند و بار دیگر نشان دادند که نیروی دریایی ارتش با وجود همه تهدیدها، با اقتدار مأموریت‌های خود را ادامه خواهد داد.

دریادار ایرانی با اشاره به پیگیری حقوقی جنایت صورت‌گرفته علیه کارکنان نیروی دریایی ارتش، تصریح کرد: تمامی ابعاد این حادثه از مسیرهای حقوقی و بین‌المللی در حال پیگیری است و عاملان این اقدام باید پاسخگوی جنایت خود باشند. فرمانده نیروی دریایی ارتش با قدردانی از صبر و همراهی خانواده‌های شهدا، خاطرنشان کرد: همه فرماندهان و مسئولان نیروی دریایی خود را موظف به خدمت‌رسانی، حمایت و همراهی با این خانواده‌های معزز می‌دانند و تا آخرین لحظه در کنار آنان خواهند بود.

تغییر موازنه در دریای سرخ



نفت و نان عربستان در حلقه محاصره نیروهای مسلح یمن قرار گرفت.

پزشکیان: هر دستاوردی داریم به برکت رهنمودهای رهبر شهید است

مسیر حملات برای موشک‌های ایران هر روز امن‌تر از دیروز

دور جدید درگیری‌های بین ایران و آمریکا حداقل از نظر اصابت‌های موفق موشکی و پهبادی تبدیل به موفقیت بزرگی برای نیروی هوای سپاه شده.

راز وحشت تل‌آویو از حمله به اردن

اسرائیل در مسیر شکست



مسیر حملات برای موشک‌های ایران هر روز امن‌تر از دیروز



خبرگزاری تسنیم - دور جدید درگیری‌های بین ایران و آمریکا حداقل از نظر اصابت‌های موفق موشکی و پهبادی تبدیل به انچنان موفقیت بزرگی برای نیروی هوافضای سپاه شده که دوستان و دشمنان همگی به آن اعتراف دارند. دشمنان البته در آن سوی مرزها تماماً در تلاش هستند تا روایت‌هایی در خصوص چرایی این مسئله برای مخاطب خود تولید کنند که گاهی صحیح و گاهی غلط است، اما در میان خطوط نوشتار آنها نیز برخی نکات و مسائل جالب و قابل توجه وجود دارد که در این گزارش ابتدا به آنها پرداخته و سپس به جمع‌بندی خواهیم پرداخت.

وال استریت ژورنال: مانور پذیری و سرعت موشک‌های ایرانی مشکل اصلی است

نشریه معروف آمریکایی بعد از حمله طوفانی نیروی هوافضای سپاه به پایگاه هوایی موفق السلطی در اردن که حداقل به هلاکت سه نظامی آمریکایی منجر شد دو مسئله اصلی و مهم را در خصوص مشکل سامانه‌های پدافندی آمریکایی در مقابل موشک‌های ایرانی مطرح کرد که یکی سرعت فوق العاده بالا و دیگری مانور پذیری این موشک‌ها (منظور سرهای جنگی جدا شونده) بوده است. این روایت و گزاره، صحیح است. موشک‌هایی مثل سری خیبرشکن و فاتح ۱ در رسته پرتابه‌های هایلپرسونیک و با قابلیت انجام مانورهای عجیب و غریب خصوصاً در فاز نهایی شیخ‌به سمت هدف رهگیری را تقریباً غیر ممکن می‌کنند. اما موفقیت‌های اخیر هوافضای سپاه در عملیات‌های سری نصر ۲ روابای دیگری نیز دارد.

تقریباً از اواسط جنگ رمضان بود که داد و فریادها در رسانه‌های غربی در خصوص دلیل انهدام اهداف با ارزشی مثل رادارها، هواپیماهای سوخت رسان و آواکس ایران در منطقه توسط شلیک‌های دقیق ایران به هوا رفته بود و همه آنها انگشت اتهام را به سمت یک ماهواره تصویربرداری چینی گرفتند. ماهواره ساخت چین که به گفته منابع غربی توسط ایران بعد از پرتاب خریداری شده یک ماهواره تصویربرداری است که در مدار LEO قرار داشته و می‌تواند تصاویری با کیفیت ۵۰ سانتی متر را از سطح زمین تهیه کند. این ماهواره اصولاً در رده ماهواره‌های تجاری قرار می‌گیرد و حتی جزو نمونه‌های با استاندارد نظامی نیست ولی کیفیت کافی برای شناسایی



بیانیه نمایندگان مجلس

■ فرشاد ابراهیم‌پور، عضو هیئت رئیسه مجلس، در نشست (سه‌شنبه ۳۰ تیر ماه)، بیانیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پاس قدردانی از حضور ملت شریف ایران در مراسم بدرقه آقای شهید و حمایت از پیام اخیر رهبری که بر حفظ وحدت و انسجام ملی تأکید داشتند را قرائت کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک مقام معظم رهبری و ملت شریف، مؤمن و سرافراز ایران اسلامی پیام حکیمانه، وحدت‌افرین و راهبردی مقام معظم رهبری حفظه الله، افزون بر قدردانی شایسته از حماسه تاریخی ملت ایران در بدرقه «آقای شهید ایران»، منشوری روشن برای صیانت از عزت، استقلال، امنیت و انسجام ملی در این مقطع حساس است. ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی، حمایت کامل و قاطع خود را از مفاد و جهت‌گیری‌های این پیام اعلام کرده و تحقق آن را وظیفه‌ای ملی، انقلابی و قانونی می‌دانیم. رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ ملت ایران با حضور ده‌ها میلیون خود با چشمانی اشکبار و اراده‌ای استوار نشان داد که پیوندش با آرمان‌های انقلاب، فرهنگ ایثار و مقاومت و رهبری امت اسلامی، پیوندی عمیق، آگاهانه و گسست‌ناپذیر است. همان‌گونه که حضرت‌عالی تأکید فرمودید، این بدرقه باشکوه صرفاً یک آیین سوگواری نبود، بلکه رستاخیزی از ایمان، وفاداری، بصیرت و هویت اسلامی- ایرانی بود که دوستان ایران را آمیودار و دشمنان آن را حیرت‌زده ساخت. ما نمایندگان ملت، ضمن سپاس از این پیام روشنگرانه، به محضر حضرت‌عالی اطمینان می‌دهیم که رهنمودهای مطرح‌شده درباره حفظ «وحدت کلمه» و «اتحاد مقدس» را معیار رفتار و تصمیم‌گیری خود قرار دهیم و در راستای تقویت اقتدار کشور، تأمین منافع مردم و جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه شکاف و تفرقه حرکت کنیم. تبیین صریح حضرت‌عالی درباره بدعهدی‌های مکرر آمریکا نیز بیانگر حقیقتی آزموده‌شده و انکارناپذیر است. نقض تفاهم‌ها و تعهدات، بار دیگر ثابت کرد که نمی‌توان منافع و امنیت ملت ایران را بر وعده و امضای دولتی بنا نهاد که زورگویی، یک‌جانبه‌گرایی و پیمان‌شکنی را بر رویه‌ای مستمر تبدیل کرده است. ازاین‌رو، هرگونه تصمیم در عرصه سیاست خارجی باید بر پایه عزت، حکمت، مصلحت، تضمین‌های عینی و قابل راستی‌آزمایی و صیانت کامل از حقوق ملت ایران اتخاذ شود و در راستای تحقق این مسیر از همه ظرفیت‌های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی استفاده خواهیم کرد. ملت شریف و سربلند ایران؛ حضور تاریخی شما، بزرگ‌ترین پاسخ به محاسبات دشمن و روشن‌ترین نشانه از پایداری ایران بود. شما ثابت کردید که فشار، تهدید و جنگ روانی نمی‌تواند اراده ملتی را در هم بشکند که قدرت خود را از ایمان، آگاهی و همبستگی می‌گیرد. ما در برابر عظمت و وفاداری شما سر تعظیم فرود می‌آوریم و خود را موظف می‌دانیم این اعتماد و همراهی را با خدمت صادقانه، دفاع از معیشت مردم، مبارزه با فساد و تبخیز و پیگیری عزت‌مندانه حقوق کشور پاسخ دهیم. در عین حال، پیام مقام معظم رهبری به‌درستی مرز میان نقد خیرخواهانه و تخریب وحدت‌شکن را روشن ساخت. نقد منصفانه، مستند و مسئولانه، سرمایه‌ای برای اصلاح امور و ارتقای کارآمدی است؛ اما اتهام‌زنی، بی‌انصافی، برجسته‌سازی اختلافات و ایجاد نزاع‌های سیاسی و اجتماعی، به انسجام ملی آسیب می‌رساند و صنعتگران غیور، با استقامتی کوبنظیر در برابر همه مشکلات ایستادید و مطالبه‌گری نیست؛ بلکه به معنای مقدم دانستن منافع ملی، امنیت کشور و حقوق عمومی بر رقابت‌ها و منافع فردی و جناحی است. ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ضمن تجدید عهد با مقام معظم رهبری و ملت بزرگ ایران، اعلام می‌کنیم که حمایت از این پیام، تنها یک موضع سیاسی یا اعلامی نیست، بلکه تعهدی عملی برای تقویت همدلی میان مردم و مسئولان، افزایش کارآمدی، حفظ اقتدار و بازدارندگی ملی و مقابله هوشمندانه با توطئه‌های دشمنان است.

دستاورد هایمان به برکت رهبر شهید است

■ مراسم روز ملی گرامیداشت صنعت و معدن با حضور مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، وزیر صنعت، معدن و تجارت و جمعی از صاحبان صنایع، معادن و بنگاه‌های اقتصادی صبح سه‌شنبه، ۳۰ تیرماه ۱۴۰۵، برگزار شد. پزشکیان در آغاز سخنان خود با ادای احترام به مقام شامخ شهدا به ویژه مقام معظم رهبری شهید و با بیان اینکه تمامی شهدا با خون پاک خود، عزت و افتخار نظام اسلامی را برای همیشه در تاریخ رقم زدند اظهار داشت: دشمنان با هدف ایجاد فشار داخلی و فروپاشی اجتماعی، جنگی تمام عیار را بر ملت ایران تحمیل کردند؛ اما شما تولیدکنندگان و صنعتگران غیور، با استقامتی کوبنظیر در برابر همه مشکلات ایستادید و قدرت‌های بزرگ را در رسیدن به اهداف شومشان ناکام گذاشتید؛ تا جایی که آنها ناچار شدند به جای جنگ، تن به تامل و گفت‌وگو دهند.

عهد بستاییم که به مطالبات بحق فعالان اقتصادی جامعه عمل بپوشانیم

رئیس‌جمهور این پیروزی بزرگ را موهون وحدت، همدلی و انسجام داخلی نامید و تصریح کرد: ما نیز در دولت، در سایه همین هم‌افزایی بخشی و فراقبشی، عهد بستاییم که به مطالبات بحق شما فعالان اقتصادی جامعه عمل بپوشانیم. شبانه‌روز با تمام توان می‌کوشیم تا به مطالبات و دغدغه‌های صاحبان فرآیندهای اقتصادی و بنگاه‌ها پاسخ شایسته دهیم.

وی در ادامه با قدردانی از نقش بی‌بدیل تولیدکنندگان در تأمین مایحتاج کشور در روزهای سخت جنگ، خاطرنشان کرد: در حقیقت این شما بودید که در جبهه اقتصادی با دشمنان جنگیدید و اجازه ندادید کشور در آن شرایط حساس با کمبود و قطعی مواجه شود. هرچند حملات دشمن به زیرساخت‌های انرژی، نارسایی‌هایی در حوزه برق و انرژی ایجاد کرد و فشارهایی را بر شما وارد آورد، اما با مشارکت و همراهی مردم و هماهنگی تمام دستگاه‌های اجرایی، توانستیم مصرف برق را کنترل کنیم. دشمن گمان می‌کرد با هدف‌گیری تأسیسات حیاتی، کشور را به فروپاشی می‌کشاند، اما همدلی مردم و هم‌زبانی مسئولان، نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرد. رئیس‌جمهور در بخش دیگری از بیانات خود با گرامیداشت نقش هدایت‌گر مقام معظم رهبری شهید در تعیین مسیر راهبردی کشور، به ویژه در خصوص پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، گفت: اگرچه صدا و سیما تنها بخشی از سخنان ایشان درباره عدم مذاکره را پخش می‌کنند، اما در جلسات خصوصی با منظرله، ایشان بر ضرورت خاتمه دادن به این وضعیت تأکید داشتند. برای همین، با تکیه بر عزت، مصلحت، حکمت و سربلندی کشور، مذاکرات را آغاز کردیم و دستگاه دیپلماسی ما هرگز از حقوق ملت ایران کوتاه نخواهد آمد.

هیچ چیز ارزشمندتر از شهادت در راه خدمت به مردم نیست

پزشکیان با اشاره به نقش بی‌بدیل رهبر شهید در حمایت از دولت و تولیدکنندگان، خاطرنشان کرد: اعتقاد قلبی من این است که هر دستاوردی داریم، به برکت رهنمودهای رهبر شهید است که همواره پشتیبان ما بودند و اگر نارسایی‌هایی می‌دیدند، با ملاحظت و در خفا تذکر می‌دادند. امروز نیز به پشتیبانی رهبر معظم انقلاب نیاز داریم و مسیر را با قدرت ادامه خواهیم داد. در راه خدمت به مردم، با شهادت هراسی

نداریم؛ هیچ چیز ارزشمندتر از شهادت در راه خدمت به مردم نیست. مجموعه مدیران، صاحبان صنایع و اصناف در دوران جنگ دستاوردهای بزرگی آفریدند که نباید با تفرقه و اظهارنظرهای نادرست، به آن خدشه وارد شود. رئیس‌جمهور ادامه داد: اکنون نیز با افزایش ارتباط و سطح دسترسی بیشتر به رهبر عزیزمان، تمام اقدامات بر اساس رهنمودهای ایشان سامان یافته است. در این مذاکرات، گام‌به‌گام پیش رفتیم و موضع اصلی ما بازگشایی تنگه هرمز برای صادرات نفت و سایر موضوعات حیاتی بود، اما طرف مقابل تخلف کرد؛ با این حال دستاوردهای جمهوری اسلامی در این مسیر، بسیار فراتر از انتظارات بود و توانستیم در زمانی کوتاه، مسایل متنوع را به خوبی مدیریت کنیم.

وی با انتقاد از اظهارنظرهای ناروا و غیرکارشناسی در مورد مذاکرات، تأکید کرد: برخی سخنان نادرست و بی‌توجه به ابعاد مختلف، موجب کوچک نمایی دستاوردها می‌شود. وحدت و انسجام، مهم‌ترین رکن جامعه است و نباید با اظهارنظرهای نسنجیده، تلاش‌های خالصانه افراد را نادیده بگیریم. رئیس‌جمهور هم‌افزایی و تعامل سازنده را رمز پیشرفت و آبادانی کشور دانست و افزود: همه باید دست در دست هم دهیم تا گره از کار صنعتگران و فعالان اقتصادی و تمام اقشار مردم بگشاییم. من به عنوان رئیس‌جمهور و همه اعضای هیئت دولت، خود را موظف به ایفای تعهدات در قبال تولیدکنندگان، و بنگاه‌ها می‌دانیم؛ اما این مهم، نیازمند تعامل همه‌جانبه، تدبیر جمعی، اندیشه‌ورزی و هماهنگی میان تمام ارکان جامعه است. پزشکیان با تأکید بر حفظ وحدت برای توسعه و پیشرفت، اظهار داشت: سخنان بسیاری در دلم دارم، اما به خاطر حفظ وحدت، حاضر به تحمل همه تلخی‌ها هستم. از همه می‌خواهم که به صحنه بیایند و بپذیرند که برای تغییر شرایط، چاره‌ای جز انسجام داخلی و هم‌زبانی نیست؛ چرا که قدرت اصلی ما در با هم بودن است. متأسفانه برخی تنها به شعار بسنده می‌کنند و همکاری عملی ندارند؛ در حالی که تصمیمات باید بر پایه خرد و تدبیر جمعی گرفته شود.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به چالش تأمین برق و انرژی برای تولیدکنندگان، گفت: تأمین انرژی، یکی از اساسی‌ترین نیازهای چرخه تولید است. ما آمادیم نهایت همکاری را برای پیشگیری از قطع برق واحدهای تولیدی به کار بگیریم و در اولین فرصت، جلسات ضروری را برای تصمیم‌گیری در این زمینه برگزار خواهیم کرد. باور قلبی من این است که اگر کمبودی وجود دارد، نباید برق صنایع قطع شود؛ ما به مشکلات شما واقفیم و خوشبختانه شاهد همدلی مردم هستیم که تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی را افزایش داده است.

وی با اشاره به تخریب‌های و آسیب زیرساخت‌های کشور در دو جنگ اخیر، تصریح کرد: شرایط را به گونه‌ای مدیریت می‌کنیم که کمترین فشار به واحدهای تولیدی وارد آید و برای رفع منابع، اقدامات ضروری را انجام خواهیم داد. تلاش‌های فداکارانه شما در دوران جنگ، عزت و پایداری کشور را رقم زد و ما به خوبی درک می‌کنیم که با چه ایثاری ایستادید. امروز ارتباط ما با رهبر عزیز روزبه‌روز بیشتر شده و در سایه هدایت‌های ایشان، به دنبال کاهش مشکلات هستیم.



رئیس‌جمهور در بخشی از سخنان خود با اشاره به سواستفاده‌های برخی سوداگران، هشدار داد: در برخی کارخانها و سوله‌ها، افرادی هستند که از شرایط موجود سواستفاده کرده و با وجود کاهش برق، به استخراج غیرمجاز رزمراز می‌پردازند. این عین بی‌عالتی و بی‌انصافی است که برق مورد نیاز فرآیندهای خرد، متوسط و کلان، در این راه هدر رود. پزشکیان در پایان با تأکید مجدد بر عزم دولت برای خدمت‌رسانی بی‌وقفه، تصریح کرد: ما در این مسیر، خود را خادم ملت می‌دانیم و با اتکال به خاوند متعال و پشتیبانی رهبری، از هیچ کوششی برای اعتلا و سربلندی ایران اسلامی فروگذار نخواهیم کرد. آنچه در این برهه رقم خورد، بار دیگر ثابت کرد که اتحاد و همدلی، بزرگ‌ترین سرمایه ملی ماست و دشمنان هرگز نمی‌توانند بر اراده پولادین این ملت غلبه کنند.

تولید امروز یک بار بخشی نیست، بلکه گفت‌وای ملی است

در بخشی از این مراسم، آتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز با اشاره به تأکیدات همیشگی رئیس‌جمهور بر وفاق و وحدت، گفت: این اصل ارزشمند در دو جنگ اخیر، با وجود تمام فشارهای دشمن، در کشور حفظ شد. تولید امروز یک امر بخشی نیست، بلکه گفت‌وای ملی است و باید با امید و اراده، اقتدار کشور را به جایگاه فاخر خود برسانیم. در شرایط حساس کنونی، مسئولیت سنگینی بر دوش تولیدکنندگان است که نیازمند برنامه‌ریزی مضاعف و آیندنگری است. بنده شاهد بودم که دکتر پزشکیان در ایام جنگ، حضوری و شخصاً و با حساسیت ویژه، پیگیر وضعیت تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی بودند.

در پایان این همایش، با حضور رئیس‌جمهور، ر واحدهای برگزیده صنعتی و معدنی در بخش‌های مختلف تقدیر به عمل آمد. همچنین جمعی از فعالان پیشکسوت اقتصادی و صاحبان صنایع و معادن، ضمن ارائه گزارش از وضعیت موجود، دغدغه‌ها، پیشنهادها و راهکارهای خود را برای بهبود مدیریت دوران جنگ و پس‌انگه، با رئیس‌جمهور در میان گذاشتند و بر ضرورت تدلوم حمایت‌های دولتی برای عبور از چالش‌های پیش‌رو تأکید کردند.



درباره بیانیه حزب اتحاد ملت

■ مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم؛ میز سیاست و جامعه — اگر بخواهیم بیانیه اخیر حزب اتحاد ملت را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توان گفت: آمریکا به ایران حمله می‌کند و ایرانیان جان می‌یازند و زیرساخت‌های کشور آسیب می‌بیند، اما متهم اصلی باز هم جمهوری اسلامی است که چرا به‌اندازه کافی خویشتن‌دار، آرام، مؤدب و دیپلماتیک رفتار نمی‌کند؛ در جهان ذهنی نویسندگان این بیانیه، ظاهراً موشک‌های آمریکایی نیز نوعی پیام دیپلماتیک هستند که تهران باید با بلخند، سعه‌صدر و مراقبت از تصویر بین‌المللی خود به آن‌ها پاسخ دهد.

بیانیه‌نویسان پس از موعظه‌های متعدد خطاب به حاکمیت ایران، بالاخره با لحنی گذرا حملات جدید آمریکا را محکوم می‌کنند؛ گویی برای رعایت توازن متن ناچار شده‌اند در انتهای بیانیه یک جمله نیز علیه متجاوز بنویسند، اما تمام درخواست‌ها، هشدارها، تگرانی‌ها و فرمان‌های اخلاقی بیانیه متوجه ایران است، از آمریکا خواسته نمی‌شود حملات خود را متوقف کند، خسارت بپردازد، تضمین امنیتی بدهد، عاملان تجاوز را محاکمه کند یا حق حاکمیت ایران را به‌رسمیت بشناسد، حتی از واشنگتن خواسته نمی‌شود به همان تفاهم‌نامه‌ای که حزب آن را تا مرز یک متن مقدس بالا برده است، وفادار بماند.

در منطق این بیانیه، آمریکا گویی یک پدیده طبیعی است که مانند سیل، زلزله یا گردباد می‌آید، حمله می‌کند و می‌رود؛ و همانند پدیده‌های طبیعی که مسئولیتی ندارند، کسی هم از آمریکا نباید انتظار مسئولیت‌پذیری داشته باشد؛ از نگاه آنها مهم نیست که در این دو سال چه اتفاقاتی افتاده است؛ درهرحال این ایران است که باید عاقلانه‌تر رفتار کند، خویشتن‌دارتر باشد، واکنش شتاب‌زده نشان ندهد، تنگه هرمز را ناامن نکند، تصویر خود را خراب نکند و فرصت دیپلماسی را از بین نبرد، گویا نه با یک دولت متجاوز، بلکه با شرایط نامساعد جوی مواجهیم!

این الگو البته تازه نیست، سال‌هاست هرگاه آمریکا تحریم می‌کند، تهدید می‌کند، ترومر می‌کند یا از حمله به ایران پشتیبانی می‌کند، جماعتی در داخل به‌جای نوشتن بیانیه خطاب به کاخ سفید، برای جمهوری اسلامی نسخه می‌پیچند، یک بار نشد مخاطب اصلی بیانیه‌شان رئیس‌جمهور آمریکا باشد، یک بار نشد با همان لحن تند و پرحرارتی که درباره تندروهای داخلی سخن می‌گویند، از جنگ‌طلبان واشنگتن نام ببرند، ظاهراً در قاموس سیاسی آنان، مطالبه‌گری فقط از تهران مجاز است و مطالبه‌گری از آمریکا نوعی بی‌ادی دیپلماتیک بشمار می‌رود.

دگماتیسم سیاسی به‌جای فهم ابزار از توافق، آن را مقدس می‌نماید

مشکل بنیادین دیگر بیانیه، فهم ارزش‌محور و تقریباً قدسی آن از توافق است، نویسندگان چنان از «صیانت از تفاهم‌نامه» سخن می‌گویند که گویی توافق، فی‌نفسه دارای فضیلت اخلاقی است؛ صرف امضاشدنش آن را به دستاوردی واجب‌الحفظ تبدیل می‌کند و هرکس درباره نتیجه، هزینه یا تعهدات آن سؤال کند، دشمن صلح و همکار اسرائیل است.

در حالی که توافق در سیاست بین‌الملل نه مقدس است و نه ذاتاً مطلوب، توافق فقط یک ابزار است؛ همان‌گونه که مذاکره، فشار سیاسی، بازدارندگی نظامی و حضور میدانی ابزارند ارزش هر توافق به این بستگی دارد که چه چیزی می‌دهد، چه چیزی می‌گیرد، چه‌تضمین‌هایی دارد، چه‌تهدیدیهایی را راقع می‌کند و در صورت نقض آن، چه سازوکاری برای احقاق حقوق کشور پیش‌بینی شده است، میدان نیز دقیقاً همین وضعیت را دارد؛ میدان نه بت است و نه شر مطلق، گاهی دیپلماسی بدون قدرت میدانی به خواش‌نامه تبدیل می‌شود و گاهی اقدام میدانی بدون محاسبه سیاسی، هزینه‌زا خواهد بود، سیاستمدار عاقل از هر دو متناسب با موقعیت استفاده می‌کند، اما اعضای اتحاد ملت یا ساختن دودانگه‌ای کودکانه میان دیپلماسی خوب و میدان بد، عملاً می‌خواهند یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های مذاکره ایران را از آن بگیرند و اگر چنین نتیجه‌ای آگاهانه در پازل دشمن نباشد، حداقل به‌طور غیرمستقیم به آنها کمک می‌کند.

آیا آمریکا بدون مشاهده قدرت دفاعی، انسجام ملی و توان واردکردن هزینه به متجاوز، حاضر به امضای تفاهم‌نامه شده است؟ خود بیانیه می‌گوید این سند محصول «ایستادگی شجاعانه رزم‌آوران» است، پس چگونه چند بند بعد، استفاده از ظرفیت‌های بازدارنده تقریباً معادل بی‌غلی، تحریک‌افرینی و نابودی توافق معرفی می‌شود؟ اگر میدان، توافق را ساخته است، چرا حفظ حداقلی از اعتبار میدان باید دشمن توافق تلقی شود؟

صلحی که ایران را مقید و آمریکا را معاف می‌خواهد

برداشت نویسندگان از صلح نیز سطحی و تقلیل‌گرایانه است، آنان صلح را تقریباً مترادف با نبود جنگ و پرهیز از واکنش نظامی گرفته‌اند، اما هر سکوتی صلح نیست، کشوری که زیر تهدید دائمی، تحریم، محاصره اقتصادی، عملیات خرابکارانه و حملات دورهای دشمنان قرار دارد، لزوماً در صلح به‌سر نمی‌رود؛ حتی اگر در یک مقطع گلوله‌ای شلیک نشود.

صلح واقعی نیازمند امنیت، توازن، احترام متقابل، رفع تهدید و تضمین عدم‌تجاوز است، اگر یک طرف آزاد باشد هر زمان که خواست حمله کند و طرف دیگر موظف باشد برای حفظ «فرصت دیپلماسی» واکنش نشان ندهد، نام این وضعیت صلح نیست؛ تعلیق یکطرفه حق دفاع است، صلحی که فقط ایران را مقید کند و آمریکا را از پاسخ‌گویی معاف بداند، بیشتر به آرامشی شباهت دارد که مهاجم برای تجدید قوا می‌خواهد.

توصیه شهید مدنی به شیخ احمد کافی



مهاجرت کرد. اقامت او در تهران سر آغاز یک چپش بی‌سابقه در عرصه تبلیغ دینی کشور شد.

او در ابتدا سخنرانی‌های خود را در مساجد آغاز کرد و هم‌زمان در منزل شخصی‌اش جلسات آموزش قرآن، تربیت دینی کودکان و نوجوانان و مراسم پرشور دعای کمیل و ندبه را پی‌ریزی نمود. استقبال شگفت‌انگیز و خروشان مردم، به‌ویژه نسل جوان، از این مجالس به حدی بود که فضای خانه‌ها و مساجد محلی دیگر پاسخگوی خیل عظیم جمعیت نبود.

این مسئله سبب شد که شیخ احمد کافی در سال ۱۳۴۷ طرحی بزرگ و ماندگار را پیشنهاد دهد؛ ساخت بنایی عظیم به نام «مهدیه». او برای تحقق این آرمان، خانه شخصی خود را فروخت و با جلب حمایت و مشارکت چهار تن از بازاریان متدین و خوش‌نام تهران و کمک‌های خرد و کلان مردم، قطعه زمینی به مساحت چهار هزار متر در خیابان ولی‌عصر (عج) تهران خریداری کرد.

ساختمان اولیه مهدیه تهران با ظرفیتی بالغ بر پانزده هزار نفر بنا شد و به سرعت به کانون تپنده مه‌لویت، احیای نام حضرت ولی‌عصر (عج) و پایگاه هدایت امت تبدیل گردید. جلسات عادی مهدیه بدون هیچ‌گونه تبلیغات رسمی، کمتر از ده هزار نفر جمعیت به خود نمی‌دید. مراجع بزرگی چون آیت‌الله مرعشی نجفی در توصیف عظمت این کار فرمودند که در تاریخ یاد ندارم کسی همانند مرحوم کافی نام حضرت ولی‌عصر (عج) را زنده کرده باشد.

اما ابعاد وجودی شیخ احمد کافی هرگز به سخنوری صرف محدود نمی‌شد؛ او به معنای واقعی کلمه، تنه به تنه‌ای یک وزارت‌خانه و نهاد فراگیر سازندگی، خیریه و خدمات اجتماعی بود. دغدغه‌مندی او برای مردم و فقرا، او را به ملجأ نیازمندان تبدیل کرده بود. او صدها خانواده بی‌ضاعت، محروم و بی‌سرپرست را تحت پوشش مستقیم حمایت‌های خود داشت؛ برای ده‌ها خانه در محلات محروم لوله‌کشی آب انجام داد و در آستانه اعیاد، اقلام ضروری چون کفش و لباس را برای کودکان مستمند تأمین می‌کرد.

■ حجت‌الاسلام حاج شیخ احمد کافی خراسانی، یکی از نام‌آورترین،

محبوب‌ترین و تأثیرگذارترین وعاظ و روضه‌خوانان شیعه در تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی است.

او در اول خرداد سال ۱۳۱۵ شمسی مصادف با اول ربیع‌الاول ۱۳۵۵ قمری در شهر مقدس مشهد و در خانه‌ای سرشار از معنویت دیده به جهان گشود. پدرش، میرزا محمد کافی، فرزند حاج میرزا احمد کافی یزدی، از عالمان زاهد و پاک‌نهادی بود که برای مجاورت با آستان علی بن موسی الرضا (ع) از یزد به مشهد مهاجرت کرده بود.

احمد که دومین فرزند خانواده بود، از همان دوران کودکی هوش و قریحه‌ای سرشار در یادگیری مبانی دینی نشان داد. او تحصیلات ابتدایی خود را در سال ۱۳۳۱ در دبستان ایمانی مشهد آغاز کرد و هم‌زمان با آموزش‌های نوین، قدم در مسیر پربرکت علوم حوزوی گذاشت. او نخستین پایه‌های علمی و دینی خود را نزد پدربزرگ فاضلش فراگرفت و چنان شیدایی این مسیر شد که در سال ۱۳۳۷ رسماً وارد مدرسه علمیه نواب مشهد گردید تا در فضای پرفیض حوزه علمیه این شهر، دروس مقدمات و ادبیات عرب را به کمال برساند.

شوق وافر او به کسب معارف عمیق‌تر اسلام و مجاورت با اعتبار مقدسه احمد جوان را در سال ۱۳۳۳ شمسی، در سن هجده سالگی، همراه با جدش راهی حوزه علمیه گه‌نسال و بزرگ نجف اشرف کرد. او در نجف به مدت پنج سال در مدرسه حضرت آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی (معروف به مدرسه سید) اقامت گزید و با جدیت و پشتکاری تحسین‌برانگیز، جان خود را از محضر استوانه‌های بزرگ فقا‌هت سیراب نمود. او در این دوران طلایی، پای درس مراجع و اساتید عظام همچون آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، آیت‌الله سید محسن حکیم، آیت‌الله سید محمود شاهرودی، آیت‌الله حسین راستی کاشانی و مجاهد نستوه شهید سید اسدالله مدنی تیریزی نشست.

در همین فضای علمی و معنوی نجف بود که ابعاد شخصیتی او شکل گرفت؛ خطیبی که کلامش برآمده از عمق معرفت حوزوی و ارادت خالصانه به اهل‌بیت (ع) بود. او از همان غفوان جوانی دلباخته مجالس سیدالشهدا (ع) و احیای شاعران دینی بود و همین شور درونی، او را به سمت منبر و وعظ سوق داد.

به توصیه و مأموریت خاص شهید آیت‌الله مدنی، احمد کافی مأمور شد تا در صحن مطهر امام حسین (ع) دعای کمیل را قرائت کند و در مدرسه سید نیز مراسم دعای ندبه را برقرار سازد. این آغاز راهی بود که بعدها او را به نماد و احیاگر پرآوازه دعای ندبه در سراسر ایران تبدیل کرد.

با وجود علاقه‌مندی شدید به مانندن در نجف، وخامت وضعیت مالی خانواده و ضرورت کمک به پدر، او را ناچار ساخت به ایران بازگردد. او پس از بازگشت، سه سال در حوزه علمیه قم به تحصیلات خود ادامه داد و در این مدت، سنگر منبر و هدایت خلق را هرگز رها نکرد. او در سن ۲۳ سالگی با دختر مکرمه آیت‌الله سید حسین شاهرودی از علمای برجسته مشهد ازدواج کرد که ثمره این پیوند مبارک، هفت فرزند بود. تأسیس مهدیه و نهضت خدمات اجتماعی

در سال ۱۳۴۳ شمسی، به دنبال درخواست‌های مکرر و اصرار فراوان طبقات مختلف مردم تهران و همچنین احساس نیاز شدید این کلان‌شهر به یک مصلح دینی و خطیبی روشنگر در برابر موج اسلام‌زدایی و رفتارهای فاسد رژیم پهلوی، شیخ احمد کافی به تهران



کار حکومت الهی مقابله با جاهلیت است

■ حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی امینی‌نژاد، استاد درس خارج حکمت و عرفان اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، به بررسی ابعاد تشییع و نماز آیت‌الله جوادی آملی بر پیکر رهبر شهید انقلاب پرداخت و گفت: این تجلیل باشکوه از یک حاکم یعنی تجلیل از سیاست الهی که در ولایت فقیه دنبال آن هستیم. وقتی گفته می‌شود سیاست ما عین دیانت ماست یعنی همین. نه سیاست‌بازی که با اهداف دنیوی و همان که از حاکمان دیگر مشاهده می‌کنیم. حتی افرادی که موفق به حضور در تشییع نشدند، در دل همراه هستند. مردم می‌فهمند، اشتباهاتی که گاهی از مسئولین سر می‌زنند؛ اما در جمع‌بندی به این تشخیص رسیده‌اند که این راه ما را به حکومت معصومانه امام زمان می‌رساند.

وی یکی از این شگفتی‌ها در تشییع در قم را نماز با شکوه حضرت آیت‌الله جوادی آملی دانست و افزود: نمازی که خوانده شد و دعا‌های بعد از تکبیر چهارم، در همان فضای درک آیت‌الله جوادی از فلسفه سیاسی اسلام است. ایشان معتقد است یک چهل داریم، یک جهالت و یک جاهلیت؛ چهل را حوزه‌های علمیه با علم آموزی برطرف می‌کنند، جهالت را با منبرها و وعظ‌ها و کار تربیتی برطرف می‌کنند؛ اما جاهلیت را با پند و درس نمی‌توان حل کرد. نظام امامت لازم است تا مسأله آن را حل کند. جاهلیت یک ساختار و نظام مستبدانه. جاهلانه است که از روی قصد و عمد بر مدار جنایت پیش می‌رود. حکومت و سیاست الهی و اسلامی می‌خواهد تا جاهلیت را سرجای خود بنشانند. این نیاز به تنبیه دارد، نیاز به خلافت به سیف دارد.

استاد درس خارج حوزه علمیه قم با اشاره به بیانات آیت‌الله جوادی آملی، اظهار کرد: حوزه‌ها و اساتید همگی زیر مجموعه نظام امامت به حساب می‌آیند و کار اصلی و اساسی را نظام امامت انجام می‌دهد. واضح است که وقتی به امام خمینی و یا رهبر شهید یا رهبر حاضر را امام خطاب می‌کنیم از باب نیابت ایشان از امام است. یعنی نائب الامام هستند و نائب الامام بواسطه این نیابت خودش امام است. وی تعابیر ویژه در نمازی که حضرت آیت‌الله جوادی خواندند را اصل شهادت ایشان درباره امام شهید دانست و اضافه کرد: تعبیر به: مجاهد، ورعاً، متألها… که نشان می‌دهد سیاست اسلامی و حاکم اسلامی باید این ویژگی‌ها را داشته باشد و گواهی دادند که حقیقتاً زعیم ما این جایگاه را دارند. همچنین از علامه حسن‌زاده داریم که وقتی درباره رهبر شهید سخن به میان آورد‌ه‌اند از تعابیری استفاده کرده‌اند چون: «رهبر عظیم‌الشان خود را دوست بدارید، عالمی، رهبری، مؤمنی، موحدی، سیاسی، دینداری، ربانی، منزه، کسی که دنیا شکارش نکرده، قدر این نعمت عظم‌ا، قدر این رهبر ولی وفی را بدانید…» در واقع شهادت می‌دهد به یک انسان سالک توحیدی؛ هر موحدی حاکم اسلامی نمی‌شود موحد سیاسی می‌تواند.

وی در ادامه افزود: شهادت‌هایی که علامه حسن زاده هم فرمودند، ضرورتاً به معنای رسیدن به مراتب کشف و شهود عرفانی برای امام شهید نیست. محی الدین بن عربی در فتوحات مباحثی دارد که دقیقاً به ولی فقیه اشاره دارد و می‌گوید، در هر زمانی از زمان‌هایی که معصومین غایب از مرد‌اند، خداوند متعال، اولیاء حکیمی دارد



عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی مردم

■ حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حسن‌زاده آملی، فرزند علامه حسن‌زاده آملی، در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه و روحانیت خبرگزاری تسنیم، فهم ادبیات هر علم یا مهارت را لازمه یادگیری آن دانست و گفت: برای اینکه زبان اثری را بفهمیم باید دستور زبانش را بلد باشیم. من فارسی حرف می‌زنم، شما فارسی حرف می‌زنید، یک بقال و نانوا هم فارسی حرف می‌زنند؛ ولی آیا می‌شود که به آن نانوا گفت که دیوان حکیم سنایی و خاقانی را بخوان! مثال راحت‌تر مثل فیزیک، شیمی و مثلثات که فارسی چاپ شده هست؛ آیا اگر کسی که فارسی حرف می‌زند، آن را نگاه کند، می‌تواند که بگوید چیست؟ نه؛ باید یک قدماتی داشته‌باشد؛ پس برای اینکه ما یک اثری را بفهمیم که چیست باید دستور زبان آن را بدانیم.

او افزود: بعضی‌ها می‌گویند که اگر روایات و آیات ما از اول فارسی بود دیگر مشکل صرف و نحو عربی را نداشتیم. اصلاً نمی‌دانند که این دستور زبان ربطی به فارسی بودن یا عربی بودن ندارد؛ شما وقتی می‌خواهید به فهم یک اثر برسید باید زبانش را یاد بگیرید، باید دستور زبانش را بفهمید که کاربرد و ریشه کلمات و کاربرد جملات چیست، این را دستور زبان می‌گویند، فرقی نمی‌کند که عربی یا فارسی باشد. پس دستور زبان می‌خوانیم تا به زبان احادیث و قرآن آشنا بشویم.

حسن‌زاده آملی ادامه‌داد: در طب‌گی مقداری منطق، اصول و فقه می‌خوانیم. مرحوم بهاری، عارف بزرگ رحم‌الله‌علیه فرموده بود فقه مقدمه‌ای برای تهذیب اخلاق و تهذیب اخلاق مقدمه‌ای برای عرفان است. اینکه بگوییم عرفان چیزی جدا از مجموعه حوزه و بیانات ائمه و قرآن هست، چنین چیزی نیست. الان این خطبه‌های اول نهج‌البلاغه را آیا به صورت تحت اللفظی می‌شود معنا کرد یا نه؟ منظورم این است که عرفان و مجموعه درس‌های حوزه در طول یکدیگر هستند.

حسن‌زاده تصریح کرد: عرفان شیعی به‌خاطر کلمات معصومین است؛ وگرنه الان این همه افراد هستند که ادعا دارند که عرفان می‌دانند. ممکن است که بعضی‌ها هم کلمات قشنگی به کار ببرند؛ اما کلمات قشنگ غیر از این است که طرف اراده کند و دریا گشوده شود، غیر از این است که اراده کند ماه به دو نیم شود. بعضی کارها را سحره زمان حضرت موسی هم انجام می‌دادند، بعد هم قرآن اشاره دارد که شیاطین سحر را به بعضی‌ها یاد می‌دهند.

دارایی، مهمتر از دانایی است

فرزند علامه حسن‌زاده با اشاره به این نکته که علامه حسن‌زاده می‌فرمود دارایی مهم‌تر از دانایی است، خاطرنشان کرد: چیزی هم که در قرآن به آن اشاره شده این است که آنجا (قیامت) هر کسی به‌حساب عمل‌شان جواب می‌دهند، چیزهایی که بیشتر با دست‌شان فرستادند، نه آن چیزهایی را که خواندند یا آن چیزهایی که می‌دانند. دانایی که بدون دارایی باشد به درد نمی‌خورد. بنابراین در عرفان شیعی چیزی که مهم هست، دانایی به‌علاوه دارایی است. یعنی شریعت و طریقت و حقیقت همه یک‌چیز است، به تناسب اسم عوض کرده است. نویسنده پیش‌کسوت عرصه کودک و نوجوان در ادامه به استادان علامه اشاره کرد که از جمله آنها علامه شعرانی، علامه رفیعی قزوینی و شیخ محمدتقی آملی بودند. وی همچنین این مطلب را یادآور شد که علامه درباره خواندن جبر و ریاضیات سفارش می‌کرد که بحث ارث و معاملات با آن مرتبط است. همچنین علم هیأت که با بحث قیله ارتباط دارد، بنابراین خود علامه در قم یک دوره دروس هیأت گفته که الان چاپ شده است.

استاد حسن‌زاده آملی با نقد گوشه‌گیری در عرفان اذعان کرد که عده‌ای نادان و مخالف، این حرف‌ها را مطرح کرده‌اند که عرفا گوشه‌ای می‌نشینند و به فکر خودشان هستند و کاری به مردم ندارند.

وی در رابطه با روابط اجتماعی تصریح‌کرد که علامه می‌گفت با مردم باشید و با خدا باشید؛ در میان مردم باش؛ ولی با خدا باش. علامه در ایام تبلیغ، هم کلاس داشت و هم تبلیغ. الان این دروس «معرفه النفس» درس‌هایی بود که در آمل برای عده‌ای می‌گفت. کتاب «مُهمُّ الهمم» را در آمل برای جمعی به فارسی می‌گفت و بعداً کتاب شد.

حجت‌الاسلام حسن‌زاده در بخش دیگری به نکاتی از علامه درباره انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: عده‌ای در محضر علامه بودند و شخصی به علامه گفته بود که کتابی در باب ظهور نوشته است. علامه فرمود که اگر ظهور اتفاق افتاده باشد چه؟ آنها هم متعجب شده بودند. علامه می‌فرمود این انقلاب ما طبعیه ظهور است. وی به نقل از علامه گفت که وقتی آفتاب می‌خواهد در بیاید، آرام آرام از مشرق می‌آید، وقتی بالا هم می‌آید، نمی‌توانی مستقیم نگاه کنی، باید دست رو سایه‌بان کنی یا اب‌ری جلوی‌ش را بگیرد. اگر این آفتاب یک دفعه وسط آسمان باشد همه زمین خشک می‌شود و می‌سوزد. علامه منظورش این بود که شما چه تصویری از ظهور دارید. همین که مردم عدالت‌خواهی می‌خواهند این‌ها همه دلیل بر ظهور و طبعیه ظهور است. حجت‌الاسلام حسن‌زاده خاطرنشان کرد که علامه در کتاب «مُهمُّ الهمم» آورده که اسماء الهی یک مظهر تام دارد و بی‌مظهر نیست. ما در بحث‌های فلسفی داریم که بخش‌های عرفانی‌اش هم هست که این بدن مرتبه‌ی پایین نفس است و به تعبیر علامه این مظهر نفس است، مظهر دنیایی و مادی نفس اینجااست.

معنا که موت او، موت طبیعی نبود و قتل بود.

وی در ادامه ولایت فقیه را مظهر اسماء جلالی الهی معرفی کرد و افزود: نکته دیگر اینکه اساساً جایگاه امامت و در امتداد آن جایگاه ولایت فقیه جایگاه مظهریت به اسماء الله جلالی است. برخی انبیاء خلیفه به سیف بودند، پیامبر اسلام فرمودند من خلیفه به سیف هستم. این یعنی اسلام دین حکومت است. اگر زمانی ظرفیت تشکیل حکومت اسلامی نبود، اسلام را می‌توان به شئون دیگرش اجرا کرد؛ اما باید مقدمه شکل‌گیری حکومت اسلامی باشد، در مسیر تشکیل حکومت باشد ولو اینکه دور باشد و طول بکشد اما باید هدف حکومت باشد. استاد امینی‌نژاد منظور از هدف‌بودن حکومت را هدف راهبردی دانست و گفت: حکومت خودش وسیله است؛ اما عالی‌ترین وسیله است برای اینکه انسان‌ها به قرب الهی و رضوان الهی برسند. تشکیل حکومت بهترین ابزار سترساز برای خود و دیگران است و برای رسیدن به مقامات عالیه است. اسلام از این نظر جایگاه امامتش مظهر اسماء جلالی است. در همین نماز آیت‌الله جوادی شهادت دادند که امام شهید، حقیقتاً این مظهریت را اعمال کرد و کسی وقتی مظهر اسمی می‌شود در نقطه بازگشت و رجوع هم با شهید در این مسیر سلوک می‌روند. اینکه فرمودند: «نه نزل متألها» است و برای رسیدن به مقامات عالیه است. اسلام از این نظر جایگاه امامتش مظهر اسماء جلالی است. در همین نماز آیت‌الله جوادی شهادت دادند که امام شهید، حقیقتاً این مظهریت را اعمال کرد و کسی وقتی مظهر اسمی می‌شود در نقطه بازگشت و رجوع هم با شهید در این مسیر سلوک می‌روند. اینکه فرمودند: «نه نزل متألها» منظور عوالم نیست یعنی او مظهر اسماء الهی بود؛ زیرا ولی فقیه باید مظهر عظمت باشد.

راز وحشت تل‌آویو از حمله به اردن



اینجا اردن هدف مستقیم حملات ایران نیست، بلکه فضایی است که پیام‌های قدرت در آن رد و بدل می‌شود. این واقعیت با گسترش دامنه تقلیل منطقه‌ای، چالش‌های امنیتی و حاکمیتی فزاینده‌ای را بر اردن که دهه‌هاست به عنوان پایگاه آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها خدمت می‌کند به وجود می‌آورد.

این عملیات‌های ایران در اردن که در نوع خود بی‌سابقه به شمار می‌رود، همچنین حامل پیام‌هایی برای صهیونیست‌هاست و آنها می‌دانند که کشیده شدن دامنه حملات ایران به خاک اردن و مرز فلسطین اشغالی، تهدیدی مستقیم برای امنیت داخلی اسرائیل به شمار می‌رود.

بنابراین، آنچه اتفاق افتاده، نباید به تیتُر «موشک‌های ایرانی در اردن سقوط کردند» تقلیل یابد، بلکه باید به عنوان نشانه‌ای از تغییر درجی در قوانین درگیری منطقه‌ای باشد.

با این تفاسیر به نظر می‌رسد که ایران در حال ترسیم خطوط جدیدی از معادله بازدارندگی بوده و تاکید می‌کند که در هیچ جنگی با آمریکا، اسرائیل را جدا نمی‌داند و از نظر تهران فاصله بین پایگاه‌های آمریکایی و منطقه امنیتی اسرائیل که همان اردن است، به یک صحنه عملیاتی واحد تبدیل شده است.

بنابراین، اگر این الگوی جدیدی که ایران اتخاذ کرده، ادامه یابد، منطقه ممکن است وارد مرحله‌ای شود که در آن ارزش مرزهای سیاسی در مواجهه با نقشه‌های درگیری نظامی کاهش می‌یابد، جایی که کشورهای ترانزیت به عرصه‌های فشار تبدیل می‌شوند و حملات موشکی به جای وسیله‌ای برای دستیابی به یک ضربه تاکتیکی خاص، به ابزاری برای ترسیم مجدد موازنه‌های استراتژیک تبدیل می‌شوند.

به گزارش تسنیم، از سوی دیگر، منابع آمریکایی معتقدند که هدف ایران از این حملات صرفاً هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا و وارد کردن خسارات جانی و مالی نیست. دیوید دیتولا، ژنرال بازنشسته ارتش ایالات متحده و یکی از معماران اصلی جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، معتقد است که تفسیر این حملات صرفاً از دیدگاه نظامی، ناقص خواهد بود.

این ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا در گفتگو با فاکس نیوز اظهار داشت که موقعیت اردن به ایالات متحده این امکان را می‌دهد که عملیات هوایی مؤثرتری را در سوریه، عراق و منطقه انجام دهد و بنابراین، حمله ایران به پایگاه هوایی ازرق فقط یک تأسیسات نظامی را هدف قرار نداده است.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، در ادامه تحلیل‌های رسانه‌ای از معادلات جدیدی که ایران در جنگ با دشمن آمریکایی- صهیونیستی ترسیم کرده، روزنامه لبنانی البناء در مقاله‌ای با عنوان «موشک‌های ایرانی در اردن مرزهای جدیدی از قواعد درگیری را رسیم می‌کنند»، نوشت: حمله موشکی اخیر ایران به اردن دیگر نمی‌تواند در چارچوب سنتی حملات تلافی‌جویانه بین تهران و واشنگتن تفسیر شود، و همچنین نمی‌توان آن را امتداد طبیعی حملات قبلی که پایگاه‌ها و دارایی‌های نظامی آمریکا را در منطقه هدف قرار می‌داد، دانست. زمان‌بندی، مسیر و محل‌های اصابت موشک‌های ایرانی در اردن، همگی نشان می‌دهند که این عملیات ابعاد عملیاتی و استراتژیک وسیع‌تری نسبت به هدف اعلام شده خود داشته است، و آن را به پیامی پیچیده تبدیل می‌کند که از جغرافیای اردن فراتر می‌رود و مستقیماً بر معادلات بازدارندگی منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد.

هدف قرار دادن منطقه عقبه به طور خاص، به این عملیات اهمیت ژئوپلیتیکی بسیار حساسی می‌بخشد. این شهر در تقاطع یکی از مهمترین کریدورهای استراتژیک در منطقه قرار دارد، جایی که مرز اردن با فلسطین اشغالی محسوب می‌شود و مستقیماً مربوط به منافع امنیتی رژیم صهیونیستی است.

شلیک ایران به قلب منطقه امنیتی صهیونیست‌ها

از این رو، دیگر اردن یک مسیر عبور برای موشک‌های ایرانی که به سمت اهداف رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی شلیک می‌شدند، نیست؛ بلکه به شکل مستقیم قلب جایی را هدف قرار می‌دهند که در واقع منطقه هشدار اولیه و دفاع پیشگیرانه برای صهیونیست‌هاست. بر همین اساس، مشارکت مستقیم رژیم صهیونیستی در تلاش‌ها برای رهگیری موشک‌های ایران در آسمان اردن، نشان دهنده این واقعیت است که تشکیلات نظامی رژیم اشغالگر، این حملات ایران را تهدیدی مستقیم برای سیستم امنیت داخلی اسرائیل می‌دانند.

در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی، خطرات با مرزهای بین‌المللی سنجیده نمی‌شوند، بلکه با نزدیکی تهدید به منطقه هشدار استراتژیک سنجیده می‌شوند. هر برتابه‌ای که وارد این منطقه شود، حتی اگر از نظر قانونی خارج از حرم هوایی فلسطین اشغالی باشد، یک خطر جدی برای اسرائیل است و باید با آن مقابله کرد.

قواعد درگیری جدید در منطقه که موشک‌های ایرانی در اردن ترسیم کردند در سطح نظامی، حملات ایران به اردن پیام‌های پیچیده‌ای دارد که فراتر از هدف قرار دادن معمول یک پایگاه یا موضع آمریکایی است.

تهران می‌داند که هر موشکی که از این کریدور جغرافیایی عبور کند، بلافاصله توسط شبکه‌های فرماندهی و کنترل آمریکا و اسرائیل شناسایی خواهد شد. بنابراین، ارزش این عملیات نه تنها در احتمال اصابت به هدف، بلکه در آزمایش زمان واکنش، سازوکارهای هماهنگی بین سیستم‌های پافند هوایی و سطح ادغام عملیاتی بین ایالات متحده، اسرائیل و اردن نیز نهفته است.

این یافته‌های اطلاعاتی برای ایران از تأثیر مخرب خود موشک‌ها اهمیت کمتری ندارند زیرا جنبه‌ای از ساختار دفاعی منطقه‌ای را در چارچوب تعامل واقعی آشکار می‌کنند.

اما در سطح سیاسی به نظر می‌رسد که اردن بار دیگر خودش را در موقعیت ارسال کننده پیام یافته است، نه یک طرف درگیری. در واقع اهمیت گزارش برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جمهوری اسلامی ایران

اهمیت این گزارش برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جمهوری اسلامی ایران، صرفاً در شناخت تجربه توسعه صنعتی چین نیست؛ بلکه در تبیین نحوه تحول یک مدل حکمرانی توسعه‌گرا در مواجهه با رقابت‌های ژئوپلیتیکی، محدودیت‌های فناوری و الزامات امنیت اقتصادی است. تجربه چین نشان می‌دهد که در شرایط تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ و افزایش محدودیت‌های دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، موقعیت سیاسی صنعتی بیش از آنکه به میزان منابع مالی وابسته باشد، به کیفیت حکمرانی، هماهنگی نهادی، چشمتدهی هدفمند به سرمایه، تعامل میان دولت و بازار و توانایی طراحی ابزارهای نوین سیاست‌گذاری بستگی دارد.

بدیهی است تجربه چین، با توجه به تفاوت‌های ساختاری، نهادی، اقتصادی و بین‌المللی، قابل تسخیرداری مستقیم نیست؛ اما مطالعه منطق حکمرانی، شیوه هماهنگی نهادها، ابزارهای سیاست‌گذاری و نحوه پاسخ این کشور به چالش‌های فناوری، امنیت اقتصادی و رقابت جهانی، می‌تواند افق‌های تازه‌ای را برای بحث‌های راهبردی درباره آینده سیاست صنعتی و فناوری در ایران بگشاید.

۱- پیشینه سیاست صنعتی چین؛ از صنعتی‌سازی دولتی تا راهبرد خودتاکایی فناورانه

سیاست صنعتی در چین، برخلاف بسیاری از اقتصادهای نوظهور، صرفاً ابزاری برای توسعه اقتصادی نبوده، بلکه همواره بخشی از راهبرد کلان این کشور برای بازپایی قدرت ملی و ارتقای جایگاه بین‌المللی محسوب شده است. از نخستین تلاش‌ها برای مدرن‌سازی در اوایلین سال‌های سلسله چینگ تا برنامه‌های توسعه فناوری در دوران شی جین‌پینگ، هدف اصلی هبران یکن تغییر چندانی نکرده است؛ ساختن کشوری که بتواند در عرصه صنعت، فناوری و اقتصاد با قدرت‌های پیشرفته جهان رقابت کند و در نهایت از آنها پیشی بگیرد. این هدف طی هفت دهه گذشته با ابزارها و رویکردهای متفاوتی دنبال شده است. در دوره اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده، اولویت بر ایجاد صنایع سنگین و دستیابی به خودکفایی صنعتی بود. پس از آغاز سیاست اصلاحات و درهای باز در اواخر دهه ۱۹۷۰، این رویکرد جای خود را به توسعه مبتنی بر بازار، جذب سرمایه خارجی و ادغام در زنجیره‌های تولید جهانی داد. اکنون اما چین در حال ورود به مرحله‌ای تازه است؛ مرحله‌ای که در آن، خودتاکایی فناورانه و رهبری در صنایع



صنعت هسته‌ای میراث امام شهید است

■ مراسم گرامیداشت «آقای شهید ایران و شهدای خانواده معظم‌له» با حضور محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور، غلامعلی حداد عادل، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و کارکنان صنعت هسته‌ای در مسجد شهدای سازمان انرژی اتمی برگزار شد.

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در این مراسم گفت: یاد و خاطره امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العلظمی خامنه‌ای قدس‌الله‌تعالیه‌زک‌له و شهدای خانواده رهبر انقلاب اسلامی را گرامی می‌داریم؛ خداوند متعال را شاکریم که توفیق و سعادت نصیب ما شد تا مجلس یادبود امام شهیدمان را در سازمان انرژی اتمی ایران برگزار کنیم.

وی تصریح کرد: صنعت هسته‌ای به معنای واقعی و حقیقی کلمه، میراث امام شهید است. هنگامی که تاریخ را بررسی می‌کنیم؛ درمی‌یابیم که سرنوشتی که در سر راه انرژی اتمی در کشور بوده مرمون هدایت‌های امام شهید است و ایشان با رهنمودهایشان، این صنعت را به سمت حیات و رشد بی‌وقفه هدایت کردند. رشد بی‌وقفه به معنای حقیقی کلمه در برگزیده سه واژه کلیدی؛ باور، اراده و اطمینان است؛ واژگانی که همواره مورد تاکید رهبر شهید انقلاب اسلامی بود. می‌توانیم، اراده کنیم که انجام دهیم و به اعتقاد بنده باید اطمینان داشته باشیم که مشمول نصرت الهی شده و موفق خواهیم شد. تجلی واژگان باور، اراده و اطمینان امروز در صنعت هسته‌ای وجود دارد. معاون رئیس‌جمهور ادله داد: ژرف‌نگری، نگاه حکیمانه و مدبرانه امام شهید در ایجاد قابلیت‌های زیرساختی و سازوکار امور و همچنین ایجاد اراده پیوسته‌ای که بدون وقفه جریان سرشار از انگیزه را با تکیه بر ایمان قوی شکل دهد، بسیار مؤثر بوده و سبب شده تا صنعت هسته‌ای در راستای تحقق اهداف بتواند موفق حرکت کرده و نقش‌آفرین باشد.وی اظهار کرد: این نگاه و باور به لطف الهی موجب شد تا انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران به نقطه پرافتخار هم‌تراز با کشورهای پیشرفته برسد در حالی که این کشورها از حمایت‌ها، منابع و امکانات بی‌شمار برخوردار بوده‌اند. با بررسی مقالات و متوحای موسساتی که علیه جمهوری اسلامی ایران قلم فرسایی می‌کنند و مراکز راهبردی مطالعاتی می‌توان دریافت که دشمنی آنان در اصل مبتنی بر مقابله تمدنی است؛ زیرا انقلاب اسلامی تمدن ایران را به یک تمدن با افتخار در راستای سنت‌های الهی قرار داده است.

بازتعریف سیاست صنعتی برای خوداتکایی

■ خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: چین در میانه رقابت فزاینده فناوری با غرب، راهبرد صنعتی خود را وارد مرحله‌ای تازه کرده است؛ مرحله‌ای که در آن، سیاست‌های سنتی مبتنی بر توسعه صادرات و پارانه‌های گسترده جای خود را به الگویی داده‌اند که بر خوداتکایی فناورانه، هدایت سرمایه، تمرکز بر صنایع راهبردی و نقش‌آفرینی فعال دولت در بازار استوار است. این تغییر رویکرد که هم‌زمان با افزایش فشارهای ژئوپلیتیکی، کاهش شتاب رشد اقتصادی و محدودیت‌های مالی دولت‌های محلی شکل گرفته، نه‌تنها ساختار اقتصاد چین را دگرگون کرده، بلکه پیامدهای آن به رقابت فناوری، زنجیره‌های تأمین جهانی و مناسبات تجاری بین‌المللی نیز کشیده شده است.

مقدمه

چین که طی چهار دهه گذشته با تکیه بر صادرات، سرمایه‌گذاری و ادغام در زنجیره ارزش جهانی به بزرگ‌ترین قطب تولید صنعتی جهان تبدیل شد، اکنون در حال بازتعریف موتور محرک رشد اقتصادی خود است. برخلاف گذشته که هدف اصلی سیاست‌های صنعتی پکن افزایش ظرفیت تولید، جذب فناوری خارجی و تقویت رقابت‌پذیری صادراتی بود، در دوره رهبری شی جین‌پینگ اولویت‌ها به شکل محسوس‌ی تغییر کرده است. امروز خودتاکایی در علم و فناوری، تابآوری زنجیره‌های تأمین، امنیت اقتصادی و رهبری در فناوری‌های پیشرفته به ستون‌های اصلی سیاست صنعتی چین تبدیل شده‌اند. این چرخش راهبردی صرفاً یک تغییر در اولویت‌های اقتصادی نیست، بلکه بازتاب تحول در نگاه رهبران چین به جایگاه فناوری در رقابت قدرت‌های بزرگ است. از منظر پکن، فناوری دیگر تنها پیشران رشد اقتصادی محسوب نمی‌شود، بلکه به یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت ملی و ابزار حفظ برتری ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. محدودیت‌های فناوری آمریکا علیه شرکت‌های مانند هوآوی و ZTE، جنگ تعرفه‌ای، محدودیت‌های صادرات تراشه‌های پیشرفته و تشدید رقابت بر سر فناوری‌های نوظهور، این برداشت را در میان سیاست‌گذاران چینی تقویت کرده که اتکا به فناوری خارجی، آسیب‌پذیری راهبردی این کشور را افزایش می‌دهد.

در پاسخ به این تحولات، دولت چین جعبه‌ابزار سیاست صنعتی خود را نیز بازسازی کرده است. اگر در گذشته پارانه‌های مستقیم، اعتبارات ارزان و سرمایه‌گذاری‌های گسترده دولتی مهم‌ترین ابزارهای توسعه صنعتی محسوب می‌شد، اکنون صندوق‌های سرمایه‌گذاری هدایت‌شده، مشوق‌های مالیاتی هدفمند، هدایت اعتبارات بانکی، بازارهای سرمایه تخصصی، مقررات‌گذاری هوشمند و نفوذ ساختاری حزب در بنگاه‌های اقتصادی، جایگزین بخش مهمی از ابزارهای سنتی شده‌اند. هدف این تحول، تبدیل دولت از یک تأمین‌کننده مستقیم منابع مالی به «دولت سرمایه‌گذار» است؛ الگویی که تلاش می‌کند ضمن حفظ نقش تعیین‌کننده دولت، از ظرفیت بازار برای تحقق اهداف راهبردی بهره گیرد.

با این حال، تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد این مدل جدید، در کنار دستاوردهایی مانند پیشرفت سریع در صنایع خودروهای برقی، باتری، انرژی‌های تجدیدپذیر و برخی فناوری‌های پیشرفته، چالش‌های تازه‌ای نیز ایجاد کرده است؛ از تشدید رقابت میان دولت‌های محلی و شکل‌گیری ظرفیت‌های مازاد تولید گرفته تا افزایش تنش‌های تجاری



تغییر موازنه در دریای سرخ

یمن نزدیک به ۱۲ سال است که تحت محاصره دریایی، زمینی و هوایی ائتلاف به رهبری عربستان قرار دارد؛ محاصره‌ای که به ادعان سازمان‌های بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری بزرگ‌ترین بحران انسانی جهان بوده است. در طول این سال‌ها، عربستان تلاش کرد با استفاده از برتری هوایی، کنترل بنادر و محدودسازی ورود کالا و سوخت، توان اقتصادی و نظامی یمن را فرسوده کند و صنعا را به پذیرش خواسته‌های خود وادارد. اما اکنون، پس از بیش از یک دهه، به نظر می‌رسد معادله در حال تغییر است. اعلام رسمی «محاصره دریایی عربستان» از سوی نیروهای مسلح یمن نشانه انتقال جنگ از مرحله دفاع در برابر محاصره به مرحله اعمال بازدارندگی متقابل است؛ مرحله‌ای که می‌تواند پیامدهایی فراتر از جنگ یمن داشته باشد.

در همین چارچوب، یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، با اعلام آغاز اجرای معادله «محاصره در برابر محاصره» تأکید کرد که عربستان نزدیک به ۱۲ سال است مردم یمن را تحت محاصره ظالمانه قرار داده و منابع این کشور را غارت می‌کند. وی تصریح کرد که این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست و از این پس محاصره دریایی علیه عربستان وارد مرحله اجرایی خواهد شد. سریع همچنین هشدار داد که هرگونه تشدید اقدامات از سوی ریاض، با «تشدید همه‌جانبه» از سوی نیروهای یمنی پاسخ خواهد گرفت و نیروهای مسلح یمن برای تمامی سناریوها آمادگی کامل دارند.

پایان دوران بازدارندگی یک‌طرفه

آنچه این اعلام را از بسیاری از بیانه‌های گذشته متمایز می‌کند، تلاش آشکار یمن برای تغییر قواعد بازدارندگی است. در سال‌های ابتدایی جنگ، عربستان از موقعیت برتر نظامی و دریایی برخوردار بود و تصور می‌کرد می‌تواند بدون پرداخت هزینه جدی، جنگ را از طریق محاصره اقتصادی و حملات هوایی مدیریت کند. اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که صنعا به تدریج توانسته قابلیت‌های موشکی، پهپادی و دریایی خود را توسعه دهد و دامنه عملیات خود را از عمق خاک عربستان تا دریای سرخ و آب‌راههای راهبردی گسترش دهد. در واقع، راهبرد جدید یمن بر این اصل استوار است که اگر اقتصاد و زندگی مردم یمن تحت فشار محاصره قرار گیرد، اقتصاد و امنیت انرژی عربستان نیز نباید از تبعات جنگ مصون بماند. این همان منطقی است که یحیی سریع از آن با عنوان «محاصره در برابر محاصره» یاد می‌کند؛ معادله‌ای که هزینه‌های جنگ را از یک طرف به هر دو طرف منتقل می‌کند.

اهمیت ژئوپلیتیکی دریای سرخ

دریای سرخ تنها یک پهنه آبی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین شریان‌های تجارت جهانی به شمار می‌رود. بخش قابل توجهی از تجارت بین آسیا و اروپا، صادرات انرژی کشورهای عربی و تردد نفتکش‌ها از این مسیر انجام می‌شود. هرگونه ناامنی در این منطقه، بلافاصله بر هزینه حمل‌ونقل دریایی، قیمت بیمه کشتی‌ها و بازار جهانی انرژی تأثیر می‌گذارد.

به همین دلیل، اگر یمن نتواند تهدید خود را به اقدامات عملی تبدیل کند، صرفاً عربستان هدف قرار نخواهد گرفت، بلکه کل معادلات امنیت دریای سرخ وارد مرحله تازه‌ای خواهد شد. حتی بدون توقف کامل تردد کشتی‌ها، افزایش ریسک امنیتی می‌تواند شرکت‌های کشتیرانی و بیمه را وادار به تغییر مسیر یا افزایش هزینه‌ها کند؛ موضوعی که در نهایت فشار اقتصادی مستقیمی بر ریاض و متحدانش وارد خواهد کرد.

ویژگی مهم این تحول آن است که میدان نبرد بیش از گذشته از جغرافیای نظامی به حوزه اقتصاد منتقل می‌شود. تجربه جنگ‌های معاصر نشان داده است که درگیری‌ها زمانی به نقطه بازدارندگی می‌رسند که طرف مقابل احساس کند هزینه‌های اقتصادی جنگ از منافع آن بیشتر شده است.

عربستان طی سال‌های گذشته میلیاردها دلار برای جنگ یمن هزینه کرده، اما هم‌زمان تلاش کرده امنیت صادرات نفت، بنادر و مسیرهای تجاری خود را حفظ کند. اکنون اگر این مؤلفه نیز وارد میدان تقابل شود، هزینه ادامه جنگ برای ریاض به شکل محسوس‌ی افزایش خواهد یافت.

اعلام محاصره دریایی عربستان را نمی‌توان جدا از تحولات گسترده‌تر منطقه تحلیل کرد. طی سال‌های اخیر، بازیگران محور مقاومت تلاش کرده‌اند با اتکا به موقعیت‌های ژئوپلیتیکی خود، نوعی بازدارندگی شبکه‌ای ایجاد کنند؛ بازدارندگی‌ای که بر پایه پراکندگی جغرافیایی و تعدد نقاط فشار شکل گرفته است. یمن با اشراف بر باب‌المندب و بخش مهمی از دریای سرخ، یکی از مهم‌ترین حلقه‌های این شبکه محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، هرگونه تشدید تنش در منطقه می‌تواند هم‌زمان چندین مسیر راهبردی را تحت تأثیر قرار دهد؛ مسئله‌ای که محاسبات نظامی و اقتصادی طرف مقابل را پیچیده‌تر می‌کند. از این منظر، اقدام اخیر صنعا صرفاً یک تصمیم نظامی نیست، بلکه بخشی از روندی است که در آن، کنترل بر آب‌راههای راهبردی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی در غرب آسیا تبدیل شده است. تحولات اخیر نشان می‌دهد که جنگ یمن دیگر صرفاً یک بحران داخلی یا حتی یک رویارویی جویانه میان صنعا و ریاض نیست، بلکه به بخشی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا تبدیل شده است. اهمیت این تحول زمانی بیشتر آشکار می‌شود که آن را در کنار سایر مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای تحلیل کنیم. از نگاه بسیاری از ناظران، هرچه توان بازیگران منطقه‌ای برای اثرگذاری بر شریان‌های حیاتی تجارت و انرژی افزایش یابد، هزینه هرگونه اقدام نظامی یا فشار خارجی نیز به همان نسبت بیشتر خواهد شد.

در این چارچوب، اقدام اخیر یمن می‌تواند نشان‌دهنده شکل‌گیری مرحله‌ای جدید از بازدارندگی منطقه‌ای باشد؛ مرحله‌ای که در آن، معادلات صرفاً با برتری هوایی یا توان نظامی کلاسیک تعیین نمی‌شود، بلکه امنیت ابراهما، خطوط کشتیرانی، صادرات انرژی و اقتصاد جهانی نیز به بخشی از میدان بازدارندگی تبدیل شده‌اند.

صرفه‌جویی امروز، عبور از بحران فردا



می‌شود؛ ابزارهایی که ممکن است در کاهش مصرف موثر باشند، اما به همان نسبت حساسیت اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند در مقابل، سناریوهای غیرقیمتی بر محدودیت‌های اجرایی، سهم‌بندی هدفمند، تغییر الگوی تردد و توسعه سوخت‌های جایگزین تکیه دارند. در همین رابطه هاشم اوری کارشناس انرژی تأکید می‌کند: «در شرایطی که اختلال در تولید ناشی از یک حادثه نیروی و امنیتی است، بهترین مسیر این است که پیش از ورود به سیاست‌های سخت‌گیرانه، از ظرفیت مشارکت عمومی استفاده شود. اگر مردم احساس کنند صرفه‌جویی امروز مانع از تصمیم‌های سخت فردا می‌شود، همراهی بیشتری نشان خواهند داد.» او می‌افزاید: «اترازی ۱۰ میلیون لیتری عدد کوچکی نیست، اما غیرقابل مدیریت هم نیست؛ به شرط آنکه دولت و جامعه هم‌زمان وارد عمل شوند.»

این کارشناس همچنین بر نقش نهادهای دولتی در الگوسازی تأکید دارد: «می‌توان از مردم خواست مصرف خود را کاهش دهند، اما در دستگاه‌های اجرایی همان الگوی پر مصرف گذشته ادامه پیدا کند. اگر کارمندان دولت ملزم شوند از خودروی شخصی برای رفت‌وآمد استفاده نکنند یا دست‌کم بخشی از هفته را به شکل جمعی و سازمان‌یافته تردد کنند، پیام روشنی به جامعه منتقل خواهد شد.»

به گفته او، مدیریت مصرف زمانی موفق است که عدالت در اجرای آن دیده شود و همه بخش‌ها سهم خود را بپذیرند.

در شرایط فعلی، مهم‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهکار، کاهش داوطلبانه مصرف بنزین از سوی شهروندان است. این صرفه‌جویی لزوماً به معنای حذف کامل سفرهای ضروری نیست، بلکه بیشتر بر اصلاح عادت‌های روزانه استوار است. برای نمونه، اگر هر خانواده برنامه‌ریزی کند که تنها یک روز در هفته از خودروی شخصی استفاده نکند، بخش قابل توجهی از مصرف روزانه قابل کنترل خواهد بود. همچنین استفاده از حمل‌ونقل عمومی، هم‌سیر شدن اعضای خانواده یا همکاران، و کاهش سفرهای غیرضروری درون‌شهری می‌تواند به شکل ملموسی از فشار بر شبکه

بازار سوخت کشور این روزها در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار دارد؛ مقطعی که در آن کوچک‌ترین غفلت در مدیریت مصرف می‌تواند تبعاتی فراتر از یک کمبود مقطعی به همراه داشته باشد. آغاز جنگ ۴۰ روزه و حمله دشمن آمریکایی به بخشی از پارس جنوبی، تنها یک رخداد امنیتی یا زیرساختی نبود، بلکه اثری مستقیم و زنجیره‌ای بر تولید انرژی کشور بر جای گذاشت.

پارس جنوبی یکی از مهم‌ترین نقاط اتکای صنعت انرژی ایران است و آسیب به بخشی از آن، تولید میعانات گازی را تحت فشار قرار داد؛ مادامی که نقش مهمی در تأمین خوراک و پایه تولید بنزین کشور دارد. نتیجه طبیعی این اختلال، کاهش ظرفیت تولید بنزین بود؛ آن هم در شرایطی که مصرف، هرچند نسبت به گذشته اندکی افت کرده، همچنان بالاتر از سطح قابل اتکای تولید داخلی قرار دارد.

برآوردها نشان می‌دهد اکنون میان مجموع تولید و واردات بنزین با میزان مصرف، شکافی حدود ۱۰ میلیون لیتر وجود دارد؛ شکافی که در کوتاه‌مدت به سادگی جبران نمی‌شود. در چنین وضعیتی، سیاست‌گذار ناگزیر است از هم‌اکنون برای کنترل شرایط دست به انتخاب بزند؛ یا به سراغ سناریوهای سخت‌گیرانه قیمتی و غیرقیمتی برود، یا با جلب مشارکت عمومی، هزینه اجتماعی بحران را کاهش دهد. تجربه نشان داده هرگاه افکار عمومی به موقع در جریان واقعیت‌های موجود قرار گرفته، امکان مدیریت آرام‌تر و کم‌هزینه‌تر بحران فراهم شده است. اکنون نیز پیش از آنکه سیاست‌های محدودکننده به شکل جدی روی میز قرار گیرد، مهم‌ترین و فوری‌ترین راهکار، کاهش داوطلبانه مصرف از سوی شهروندان، نهادهای و دستگاه‌های اجرایی است.

آسیب وارده‌شده به بخشی از پارس جنوبی را باید نقطه آغاز اختلال در زنجیره تأمین بنزین کشور دانست. کاهش تولید میعانات گازی، مستقیماً بر توان پالایشی و در نهایت بر حجم تولید بنزین اثر گذاشته است. این اتفاق در حالی رخ داده که ظرفیت افزایش سریع تولید در کوتاه‌مدت وجود ندارد و صنعت پالایش برای بازگشت کامل به شرایط پایدار، نیازمند زمان، بازسازی و تثبیت شرایط تولید است.

هرچند هم‌زمان با این تحولات، مصرف بنزین نیز تا حدی کاهش پیدا کرده، اما این افت مصرف به اندازه‌ای نبوده که کاهش تولید را به طور کامل جبران کند. در نتیجه اکنون تراز سوخت کشور با یک فاصله ۱۰ میلیون لیتری میان تولید و واردات از یکسو و مصرف از سوی دیگر مواجه است. این شکاف اگرچه ممکن است در ظاهر تنها یک عدد باشد، اما در عمل به معنای فشار بر ذخایر، افزایش هزینه‌های تأمین و محدود شدن دامنه مایور دولت در مدیریت بازار سوخت است. واقعیت این است که در شرایط بحرانی، هر لیتر بنزین امنیتی فراتر از مصرف روزمره پیدا می‌کند. اگر این فاصله در زمان کوتاه کنترل نشود، می‌تواند تصمیم‌گیران را به سمت سیاست‌های سوق دهد که هم برای خاورها و هم برای بخش حمل‌ونقل هزینه‌زا خواهد بود. به همین دلیل، شناسایی ریشه ناترازی و توضیح شفاف آن برای مردم، نخستین گام در مسیر مدیریت واقعیانه این وضعیت است.

سناریوهای پیش‌رو؛ از ابزارهای قیمتی تا مدیریت رفتاری مصرف دولت برای عبور از این دوره، به طور کلی دو دسته ابزار در اختیار دارد: سناریوهای قیمتی و سناریوهای غیرقیمتی. در سناریوهای قیمتی، معمولاً اصلاح قیمت، بازتنظیم سهمیه‌ها یا افزایش هزینه مصرف مازاد مطرح

وزیر صمت: ۴۰ درصد منابع ۷۰۰ همتی حمایت از تولید پرداخت شد



سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، امروز در همایش روز ملی صنعت و معدن، با قدرانی از حضور رئیس‌جمهور، صنعتگران، بازرگانان و فعالان اقتصادی، گفت: کشور در مقطعی قرار گرفته که می‌توان آن را «پیچ تاریخی» دانست و تصمیم‌هایی که امروز گرفته می‌شود، بر آینده و نسل‌های بعدی تأثیرگذار خواهد بود.

وی افزود: اتفاقات روزهای گذشته، امید پیروزی و اقتدار را برای کشور به همراه داشت و همه این رخدادها نشان می‌دهد که مسئولیت مدیران و تصمیم‌گیران در این مقطع سنگین‌تر از گذشته است و باید با برنامه‌ریزی دقیق‌تری مسیر آینده را دنبال کنند.

وزیر صمت با اشاره به شرایط ویژه کشور، یاد و خاطره شهدای اخیر را گرامی داشت و اظهار کرد: اقتدار و عزت امروز ایران حاصل خودباوری و مسیری است که در سال‌های گذشته شکل گرفته و این خودباوری، به‌ویژه در حوزه صنعت و معدن، مسئولیتی بر دوش همه ما قرار داده است.

اتابک گفت: عظمت برخی شخصیت‌ها در زمان حیاتشان به‌طور کامل آشکار نمی‌شود و با گذشت زمان، آثار اندیشه و اقدامات آنان بیشتر نمایان می‌شود. امروز نیز ثمره آینده‌نگری و اعتمادی که در کشور ایجاد شد، در مقاومت و ایستادگی ایران در برابر قدرت‌هایی که تصور نمی‌کردند ایران با چنین اقتداری در برابر آنها بایستد، قابل مشاهده است.

وی با اشاره به مدیریت روزهای بحرانی اخیر افزود: در طول این مدت، رئیس‌جمهور به‌صورت مستمر در وزارت صمت حضور داشتند و هدایت و هماهنگی لازم را برای جلوگیری از ایجاد کمبود در بازار انجام می‌دادند و حتی در برخی روزها در چند استان مختلف حضور پیدا کردند.

وزیر صنعت، معدن و تجارت ادامه داد: تشییع باشکوه شهدا نشان‌دهنده درک عمیق مردم از خدمات و زحمات آنان بود و آثار این ایثار و مقاومت نتنها در تاریخ ایران، بلکه در تاریخ جهان ماندگار خواهد شد.

کشور صرفاً با یک جنگ نظامی مواجه نبود

اتابک با بیان اینکه کشور صرفاً با یک جنگ نظامی مواجه نبود، تصریح کرد: هدف دشمنان از حمله، از بین بردن امید، اراده، تجزیه و نابودی ایران بود، اما جمهوری اسلامی ایران توانست با اقتدار از کشور دفاع کند و جایگاه ایران در جهان نسبت به قبل از جنگ ارتقا یافته و امروز در موقعیتی بالاتر و باصلابت‌تر قرار دارد.

وی در ادامه با اشاره به مسائل اقتصادی و تولید گفت: در شرایط فعلی، هرچه تصمیمات اقتصادی سریع‌تر و دقیق‌تر اتخاذ شود، آثار مثبت آن بر عملکرد اقتصادی کشور و افزایش توان ملی بیشتر خواهد بود و در مقابل، هر گونه تصمیم نادرست در این شرایط می‌تواند خسارت‌های سنگین‌تری برای کشور به همراه داشته باشد.

وزیر صمت افزود: رئیس‌جمهور از ابتدای فعالیت دولت بر همدلی و وفای تأکید داشتند و نتایج این رویکرد امروز قابل مشاهده است. اکنون همه دستگاه‌ها باید تولید را محور اصلی فعالیت‌های خود قرار دهند و نگاه بخشی را کنار بگذارند، زیرا تداوم تولید، اساس اقتدار اقتصادی کشور است.



«می‌توانیم و باید برسیم»

امنیت غذایی در سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری به یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت ملی کشورها تبدیل شده است. رخدادهایی مانند همه‌گیری کرونا، جنگ روسیه و اوکراین، تنش‌های ژئوپلیتیکی، محدودیت‌های صادراتی و اختلال در زنجیره تأمین جهانی نشان داد که اتکا به واردات کالاهای اساسی، حتی برای کشورهایی با توان مالی بالا نیز می‌تواند مخاطرات جدی ایجاد کند.

تجربه سال‌های اخیر ثابت کرد در شرایط بحران، بسیاری از کشورها برای تأمین نیاز داخلی، صادرات محصولات راهبردی را محدود یا متوقف می‌کنند و بازار جهانی دیگر از منطق تجارت آزاد تبعیت نمی‌کند.

جنگ روسیه و اوکراین که از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان غلات، ذرت و روغن آفتابگردان جهان هستند، نمونه روشنی از این واقعیت بود. آغاز جنگ موجب اختلال در صادرات غلات از دریای سیاه، افزایش شدید قیمت جهانی ذرت و روغن‌های خوراکی و نگرانی بسیاری از کشورهای واردکننده شد. در همان مقطع، برخی کشورها نیز برای حفظ ذخایر داخلی، صادرات کالاهای اساسی خود را محدود کردند؛ اقدامی که زنجیره تأمین جهانی غذا را با فشار بیشتری مواجه ساخت.

این تجربه تنها به جنگ روسیه و اوکراین محدود نبود. در سال‌های اخیر، کشورهایی مانند هند در مقاطعی صادرات گندم و سپس برنج را محدود کردند. برخی تولیدکنندگان شکر صادرات خود را کاهش دادند و تعدادی از کشورهای صادرکننده روغن نباتی نیز محدودیت‌هایی برای عرضه به بازارهای جهانی اعمال کردند. این تحولات نشان داد در زمان بحران، اولویت نخست دولت‌ها تأمین امنیت غذایی شهروندان خود است و تجارت جهانی مواد غذایی می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان دستخوش تغییر شود.

اهمیت دوچندان خودکفایی محصولات کشاورزی برای ایران برای کشوری مانند ایران که همواره با محدودیت‌های ناشی از تحریم و دشواری‌های نقل‌وانتقال مالی و تجاری مواجه بوده است، اهمیت خودکفایی در تولید کالاهای اساسی دوچندان می‌شود. کاهش وابستگی به واردات گندم، خوراک دام، دانه‌های روغنی و سایر محصولات راهبردی، علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری در برابر تکانه‌های خارجی، می‌تواند ثبات بیشتری در بازار داخلی، امنیت عرضه و کنترل قیمت‌ها ایجاد کند.

رهبر شهید انقلاب اسلامی طی سال‌های اخیر بارها بر ضرورت دستیابی به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی تأکید کرده‌اند. در نخستین روز از سال ۱۴۰۱، رهبر شهید انقلاب اسلامی در سخنرانی رتبه تلویزیونی، در تبیین شعار سال، بر ضرورت تحول در بخش کشاورزی تأکید کردند.

ایشان فرمودند: «مسئله کشاورزی و دامداری بسیار مهم است و کشور باید در محصولات پایه غذایی همچون گندم، جو، ذرت، خوراک دام و دانه‌های روغنی به امنیت کامل و خودکفایی لازم دست پیدا کند.»

ایشان همچنین تأکید کردند: «متأسفانه بخش کشاورزی جزو وابسته‌ترین بخش‌های کشور به واردات است که این وضع حتماً باید تعدیل شود.»

رهبر شهید انقلاب در ادامه با اشاره به وجود موانع در مسیر کاهش وابستگی به واردات اظهار داشتند: «مبارزه با این وابستگی به علت منافع زیاد برخی افراد و احتمالاً نفوذ و کارشکنی آنها در بعضی از دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها دشوار است اما مسئولان باید همت کنند و این کار سخت را انجام دهند.»

ایشان همچنین در بیانات خود تصریح کردند: «کشور در محصولات پایه ی غذایی بایستی به امنیت کامل و به خودکفائی لازم حتماً دست پیدا کند. ما بایستی در مورد گندم، در مورد خوراک دام – ذرت، جو، امثال اینها و مواد اصلی تولید روغن… در بقیه ی چیزهایی که کالاهای اساسی نامیده میشود، حتماً به خودکفائی برسیم.»

رهبر شهید انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در تاریخ ۰۸/۰۶/۱۴۰۲ نیز چنین فرمودند:

«ما نیازهای داخلی کشور را به‌هنگام تشخیص بدهیم. گاهی اوقات هست که ما نیاز کشور را در وقت خودش تشخیص نمی‌دهیم، بعد که نزدیک به آن مرحله‌ی بحرانی شدیم، دست‌پاچه و باعجله رو میکنیم به واردات و از اینجا و آنجا وارد میکنیم و طبعاً دچار مشکل میشویم. تولیدکننده‌ی داخلی میتواند نیاز داخلی ما را در عمده‌ی مسائل کشور تأمین کند… ما امسال بالای ده میلیون تُن گندم توانستیم [از داخل] بخریم؛ خوب مصرف کشور هم تقریباً همین است — حالا خیلی دقیق نمیشود گفت، اما مصرف گندم کشور تقریباً در همین حدود است — یعنی به واردات گندم هیچ احتیاج نداریم و خودکفایی است؛ خوب این چیز خیلی خوبی است. همه چیز همین‌چور است؛ اگر در باب کشاورزی، در باب صنعت، در باب معدن، در باب خدمات گوناگون کمک باشد، حمایت بشود، همه چیز همین‌چور است، می‌تواند در داخل بشود؛ مشروط بر اینکه نیازها در هنگام لازم و به‌هنگام تشخیص داده بشود.»

آدیداس سفید به‌جای پوتین



آن، یک‌قبضه اسلحه G3 گرفت. با وقوع این‌اتفاق خوشحالی مضاعفی به او دست داد چون به قول خودش، با M1 می‌شد به‌صورت تکتیر شلیک کرد اما G3 رگبار هم داشت.

با دریافت G3 مریم امجدی شور و شوق بیشتری برای همراهی با نیروهای ایوذر پیدا کرد و خواسته خود را برای جلو رفتن و رزم با دشمن دوباره به زبان آورد.

تحويل دادن جاسوس دشمن به شهید چمران
فعالیت‌های سنگین روزانه و صدای تیراندازی و انفجار خمپاره‌های مختلف در اطراف مریم امجدی، باعث شد سردردهای او شدت گرفته و باصطلاح عود کنند. همین‌سردردها و فشارهای عصبی بود که در نهایت باعث شهادت این‌جانیار جنگ در سال 1390 شدند.

در همان‌روزهای شدت‌گرفتن آتش دشمن روی خرمشهر، زنی چاقی با مانتو و مقنعه توسط نیروهای بسیج دستگیر و به مسجد جامع منتقل شد که مأموریت تحويل او به امجدی و چند جوان همراهش سپرده شد. به این‌ترتیب بنا شد این‌نیروی ستون پنجم دشمن را به نشانی مورد نظری که به آن‌ها داده شد، منتقل کنند.

امجدی می‌گوید خانه مورد نظر، یک‌ساختمان یک‌طبقه بود که با ورود به آن، با شهید مصطفی چمران و مرد دیگری روبرو شده که بعداً متوجه شده سیم‌چنتی هاشمی فرمانده گروه فدائیان اسلام است.

پس از تحويل جاسوس دشمن، شهیدچمران مریم امجدی و همراهانش را با محبت پذیرفت و آن‌ها را تشویق کرد. گروه فدائیان اسلام به رهبری سیدمجتبی هاشمی، در روزهای دفاع از خرمشهر و آبادان، با فرارسیدن ساعات شب، به دشمن شلیخون می‌زدند و با این‌ترفند، سرعت پیشروی بغی‌ها را کند می‌کردند. اما مریم امجدی قصد داشت در یکی از اعزام‌های آن‌ها به خط مقدم درگیری شرکت کند که به همین‌دلیل پشت یکی از وانت‌های آن‌ها نشت اما فدائیان اسلام پیاده‌اش کرده و با خود به محل درگیری نبردند. در همان‌روزهای همراهی با نیروهای فدائیان اسلام، امجدی همچنان به نیروهای گروه ایوذر اصرار می‌کرد او را جلو ببرند. او همچنین از یکی از نیروهای ژاندارمری یک‌تانپانچه رولور گرفت که به گفته خودش آن را زیر مانتو به کمربند خود بست و علاوه بر G3 هرچا می‌رفت، این کلت کمری را نیز با خود می‌برد. در یکی از روزهای اصرار به گروه ایوذر برای رفتن به جلو، امجدی پاسخ مثبت گرفت و این‌توضیح را از همسنگر جوانش شنید: «می‌خواهیم برویم خط آتش ببندیم و مانع پیشروی عراقی‌ها شویم.»

این‌خاطره مربوط به روزی است که نیروهای بعثی تا سر کوی طالقانی خرمشهر رسیده و درگیری‌ها تن به تن شده بودند. مریم امجدی در عزیمت به کوی طالقانی برای درگیری با دشمن، شهید شیخ شریف قنوتی را هم دید که چند روز بعد توسط نیروهای عراقی محاصره و به اسارت درآمد و با شکنجه به شهادت رسید.

خاطره امجدی از آن‌روز در درگیری، این است که با چند نیروی جوان دیگر، به سمت دشمن تیراندازی کرده تا خشابهای همگی خالی شده و به عقبه برگشت‌اند.

■ خبرگزاری تسنیم، گروه فرهنگی _ صادق وفایی: این‌روزها که نقاط جنوبی خاک ایران مورد تهاجم و تجاوز آمریکا قرار گرفته، مادران و کودکان ایرانی به خاک و خون کشیده می‌شوند و دعوت‌کنندگان آمریکا برای بمباران ایران تبدیل به عزاداران جنوب و انسان‌های ضد جنگ شده‌اند، بد نیست از مدافعان واقعی ایران و زنانی یاد کنیم که در دفاع مقدس هشت‌ساله، دندان به هم فشرده و با غیرت ایستادند. یکی از هزاران زن مدافع ایران در روزهای دفاع مقدس هشت‌ساله، مریم امجدی زنجانی، راوی کتاب «پوتین‌های مریم» است که سال 1381 منتشر شد و در حال حاضر با نسخه‌های چاپ دهم در بازار نشر حضور دارد.

مریم امجدی زنجانی متولد 19 تیر 1342 بود که 6 مهر 1390 بر اثر عوارض جانبازی جنگ به شهادت رسید. امجدی وقتی انقلاب پیروز شد، نوجوان بود و به عضویت حزب جمهوری اسلامی درآمد. او از اولین‌نفراتی بود که در شهر خود خرمشهر در حزب جمهوری ثبت‌نام کرد و پس از آن نیز عضو جهاد سازندگی شد و در گروه امداد و عمران جا گرفت. همزمان در کمیته فرهنگی هم ثبت‌نام کرد و کارش در گروه امداد و عمران جهاد، بردن و آوردن آجر برای خانه‌سازی محرومان بود: «چادرهایمان را زیر بغل می‌زدیم، فراق را پر از آجر می‌کردیم و برای برادرها می‌پردیم.» (صفحه 23)
قدم بعدی راوی «پوتین‌های مریم»، ثبت‌نام در بسیج مستضعین و سپس ثبت نام در سپاه ذخیره بود که پس از پایان سال تحصیلی انجام شد. او برای تحصیل در مقطع دوم دبیرستان نام‌نویسی کرده و برای سال تحصیلی 1359 به 1360 آماده می‌شد که بسیج از نوجوانانی چون او خواست به خانواده‌های خود اطلاع دهند باید در صورت نیاز باید برای امدادگری یا جنگ، به مناطق مرزی مثل شلمچه اعزام شوند.

2 روز بیاری؛ پرستاری و ساخت کوکتل مولوتف

بعد از ظهر روز 31 شهریور 1359 بود که مریم امجدی و دوستانش برای کمک به مدافعان ایرانی، به بیمارستان مصلحی رفتند. امجدی در این‌روز مشغول پانسمان و رساندن سرم به اتاق‌های بیماران شد. در 2 روزی که او و دوستانش با حضور در بیمارستان، مشغول رسیدگی به امور مجروحان جنگ بودند، نخوابیدند و در ساخت کوکتل مولوتف به مردان کمک کردند.

نگهبانی از انبار مهمات

چهارمین روز جنگ بود که امجدی به مسجد جامع خرمشهر رفت و با این‌پیشنهاد روبرو شد که نگهبان انبار مهمات باشد. او برای انجام این‌وظیفه، یک اسلحه M1 دریافت کرد.

امجدی در چند روز اول حضور در مسجد جامع و نگهبانی از انبار مهمات مدافعان خرمشهر، با نیروهای گروه مردمی ایوذر آشنا شد که به خط مقدم درگیری می‌رفتند و ضمن انتقال مهمات به خط، به دشمن ضربه زده و به مقرشان در مسجد جامع برمی‌گشتند. امجدی از این‌گروه خواست او را هم برای درگیری جلو ببرند و با پاسخ مثبت روبرو شد اما این‌اتفاق بلافاصله نیافتاد.

صبح روز پنجم یا ششم جنگ بود که دایی امجدی خود را به مسجد جامع رساند و به او خبر داد خانواده‌اش در حال خروج از شهر هستند. دایی این‌دختر جوان به اصرار از او خواست خرمشهر را ترک کند اما امجدی با اشاره به وظایفی که در مسجد جامع و پشتیبانی از نیروهای مدافع داشت، اعلام کرد از خرمشهر نخواهد رفت.

بعد ازظهر همان‌روزی که امجدی از خروج از شهر امتناع کرد، خبر رسید گمرک خرمشهر به محاصره دشمن بعثی درآمده است، یکی از خاطرات مریم امجدی از روزهای اول جنگ در خرمشهر، شوخی مردم با توپخانه قزویں است که به تعبیر او، دستمایه خنده شده بود. چون مرتب اعلام می‌شد «در راه است.»

در همان‌حال نیروهای داوطلبی که از شهرستان‌ها برای کمک به خرمشهر می‌آمدند، مسلح نبودند و کار خاصی از دشتان برنمی‌آمد. به آگاه‌های او نظر تقدیزه و مکان استقرار نیز نامین می‌شدند؛ ضمن این‌که اسلحه کافی هم در خرمشهر نبود.

این‌شرایط در حالی حاکم بود که تانک‌های ارتش در جاده آبادان – خرمشهر به صف ایستاده بودند و اجازه حرکت نداشتند. مریم امجدی هم مانند دیگر راویان جنگ به این‌مساله و عدم حرکت تانک‌ها اشاره کرده و می‌گوید بنی‌صدر به‌عنوان فرمانده کل قوا به آن‌ها اجازه حرکت نمی‌داد.

یکی از اتفاقات ویژه زندگی جنگی مریم امجدی 17 ساله در دفاع مقدس، مربوط به روزی است که اسلحه M1 را تحويل داد و جای

بزرگترین اجتماع جهان

■ «رومی روم» یعنی یک‌دست بودن، صاف و صادق بودن، زلال بودن. این دقیقاً برمی‌گردد به یکی از نو شخصیت اصلی داستانم یعنی ارسلان، اتفاقاً بزران هم همین است و چه آن زمان که هسمر دوستش را نجات می‌دهد و چه همین حالا که به زوار پیادهروی اربعین خدمت می‌کند، صاف و صادق و بگرتگ است. «رومی روم» در فضایی شکل می‌گیرد که سعی می‌کند همه چیز را آن‌طور که هست، ببیند. آدم‌ها ممکن است گاهی خطا کنند، اما اگر دل پاکی داشته باشند دوباره به مسیر حقیقت برمی‌گردند.

البته درستش این است که رمان‌ها نباید پیام مستقیم داشته باشند و اگر پیامی هست، مخاطب باید آن را از لایه‌های پایین‌تر بیرون بکشد. اما به هر حال من در داستان خودم می‌خواهم بگویم که توقع ما از آدم‌ها نباید صرفاً به‌خاطر یک مقطع زمانی مشخص باشد. ما تمام خط سیر یک آدم را با همه پیچ و خم‌ها و پستی و بلندی‌هایش باید بررسی کنیم تا به حقیقت او پی ببریم. جهان داستان این‌طور شکل می‌گیرد، نه با انتزاعیات و تخیلات موهوم. هر چقدر جهان داستان ما و شخصیت‌هایش به عالم واقع نزدیک‌تر باشد، داستان برای خوانندگان باورپذیرتر و عینی‌تر می‌شود.

* در سال‌های اخیر، آثار متعددی درباره دفاع مقدس و اربعین منتشر شده است. فکر می‌کنید «رومی روم» چه زاویه تازدای را به این دو حوزه اضافه می‌کند که در آثار دیگر کمتر دیده شده است؟

اجازه بدهید پرسش شما را اصلاح کنم. درباره دفاع مقدس، حق با شماست. اما درباره پیادهروی اربعین، متأسفانه خیر. البته اخیراً در حوزه تجربن‌گذاری و سفرنامه‌نویسی و خاطرنویسی، آثار خوبی منتشر شده که همان هم باز متناسب با وسعت و عظمت همایش جهانی پیادهروی اربعین نیست. ولی در عین حال، آثاری در این باب در بازار نشر کتاب موجود است و می‌توان از آنها برای فهمیدن بخشی از حقیقت پیادهروی اربعین استفاده کرد. اما بسیار و بسیار جای تأسف است که پیادهروی اربعین سهم زیادی در ادبیات داستانی ما ندارد. من همین الان که دارم با شما صحبت می‌کنم، شاید به اندازه انگشتان یک دست هم نتوانم



گسست میان طراحان و تولیدکنندگان

■ علی لادن، مدیر نوشتافزار «صور»، در گفت‌و با خبرنگار مهر، درباره مسیر ورود به دنیای نوشتافزار گفت: شش سال است که در حوزه طراحی و کارتون مطبوعاتی فعالیت می‌کنم و آثار متعددی را برای مجلات، روزنامه‌ها و وبسایت‌های مختلف داخلی و خارجی تولید کردم.

هدف اصلی من از انتخاب این مسیر، فراتر از خلق یک اثر هنری، انتقال پیام و معنا به مخاطب بود؛ چرا که همیشه علاقه داشتم طرح‌هایم تنها یک تصویر زیبا نباشند، بلکه حامل پیامی عمیق برای مخاطب باشند.

لادن، در تبیین انگیزه‌های خود برای ورود به تولید نوشتافزار به وجود یک خلأ بزرگ در بازار نوشتافزارهای مذهبی اشاره کرد و گفت: در کنار فعالیت هنری نیز اشتیاق فراوانی به حوزه تولید محصول داشتم. دلیل انتخاب این حوزه، مشاهده یک خلأ بزرگ در بازار نوشتافزار بود. با مشاهده بازار، متوجه شدم که برای یک جوان مذهبی، نوشتافزاری که با ارزش‌ها و سلیقه او همخوانی داشته باشد، سخت پیدا می‌شود. همین موضوع، انگیزه من شد تا با جدیت در مسیر تولید نوشتافزارهای ایرانی اسلامی قدم بردارم. مدیر نوشتافزار صور، با اشاره به چالش‌های تولید نوشتافزار ایرانی اسلامی بیان کرد: از همان آغاز فعالیت، مسیر خود را با تولید آثار مذهبی و حماسی آغاز کردم؛ به‌گونه‌ای که طرح‌های اولیه کاملاً بر محور فلسطین و مقاومت بود. در همان ابتدای راه، با چالش‌های بازار روبرو شدم؛ بسیاری از فروشندگان و بازاریبان بر این باور بودند که این محصولات صرفاً یک کار دلی هستند.

او افزود: آن‌ها پیشنهاد می‌دادند که به‌جای این موضوعات، به سراغ طرح‌های شخصیت‌های کارتونی غربی بروم که تقاضای بیشتری در بازار دارند. اما دغدغه اصلی من این بود که پیامی خاص و منادار را به مخاطب منتقل کنم.

آنچه در این مسیر به من انگیزه و توان ادامه دادن می‌بخشید، خوشحالی و اشتیاق مخاطبان در مواجهه با محصولاتی بود که پیش‌تر در بازار کمتر می‌دیدند.

این موضوع برای من بسیار ارزشمند بود و همین باعث شد تا در این مسیر ثابت‌قدم بمانم.

لادن، درباره فرآیند ایده‌پردازی و طراحی محصولات گفت: ایده‌پردازی محصولات را با همکاری هسمر انجام می‌دهم. در کنار هم روی جزئیات فنی و هنری کار می‌کنیم؛ از تعیین ابعاد دفتر، انتخاب نوع صحافی تا ایده‌پردازی برای تصویرسازی و طراحی جلدها.

پس از آن، اجرای طرح‌ها را به طراحان مجموعه واگذار می‌کنیم. البته بخشی از طراحی محصولات نیز توسط خودم انجام می‌شود و در بخش‌های دیگر، از همکاری دوستان طراحم در زمینه‌های تصویرسازی، تایپوگرافی و خوشنویسی استفاده می‌کنیم.

مدیر نوشتافزار صور، با اشاره به استقبال از محصولی طراحی شده درباره رهبر شهید گفت: برخی از محصولات ما که با موضوع شخصیت‌های حماسی و رهبر شهید طراحی شدند، با استقبال زیادی روبرو شدند. در این میان، «دفتر امید» مخاطبان زیادی دارد؛ طرح جلد آن با الهام از فرمایشات انگیزشی رهبر شهید است. چالاتی که به من، به عنوان یک جوان، برای ادامه مسیر و حفظ امید، انگیزه می‌دهند؛ همان شعارهای حماسی و انگیزشی مانند «ما به قله نزدیکیم» یا «تاامیدی ممنوع».



حلقه مفقوده سینمای مذهبی ایران

■ به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، در ادامه بررسی پرونده فقدان سینمای جامعه مذهبی بر روی پرده نقره‌ای این بار سراغ لاغر بودن فیلمنامه‌ها در سینمای ایران رفته‌ایم.

اگر قرار باشد از مهم‌ترین چالش‌های امروز سینمای ایران سخن گفته شود، بی‌تردید یکی از نخستین پاسخ‌ها به بحران فیلمنامه بازمی‌گردد. سال‌هاست بسیاری از منتقدان و سینماگران معتقدند سینمای ایران، بیش از هر چیز، از کمبود قصه‌های تازه، شخصیت‌های ماندگار و روایت‌های اصیل رنج می‌برد؛ بحرانی که در حوزه آثار اجتماعی و به‌ویژه فیلم‌هایی که به زندگی، جهان‌بینی و زیست فرهنگی خانواده‌های مذهبی می‌پردازند، نمود پررنگ‌تری پیدا کرده است. تا زمانی که قصه‌ای دقیق، شخصییتی باورپذیر و ایده‌ای روشن وجود نداشته باشد، حتی حرفه‌ای‌ترین کارگردانی و پرهزینه‌ترین تولید نیز نمی‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. نقطه آغاز هر اثر موفق، شناخت دقیق انسان است. فیلمی که قرار است درباره قشر مذهبی ساخته شود، پیش از هر چیز باید این جامعه را بشناسد؛ نه از دریچه کلیشه‌ها، بلکه از خلال واقعیت زندگی روزمره، دغدغه‌ها، امیدها، ترس‌ها، روابط خانوادگی، مناسبات اجتماعی، سلیقه فرهنگی و تحولات نسلی آن. شخصیت مذهبی، همانند هر شخصیت درام، باید دارای گذشته، آرزو، تضاد، ضعف، بحران و مسیر تحول باشد. مخاطب زمانی با یک شخصیت همذات‌پنداری می‌کند که او را انسانی واقعی ببیند، نه صرفاً نمادی از یک تفکر یا حامل مجموعه‌ای از شعارها.

از منظر علم فیلمنامه‌نویسی، ایده مهم‌ترین سرمایه یک فیلم است. بسیاری از آثار موفق سینمای جهان، پیش از آن‌که به پرده یا ستاره‌های بازیگری متکی باشند، بر یک ایده قدرتمند استوار بوده‌اند؛ ایده‌ای که بتواند پرسشی مهم را مطرح کند، مخاطب را درگیر یک موقعیت دراماتیک سازد و تا پایان روایت، او را در جست‌وجوی پاسخ نگه دارد. در سینمای ایران نیز اگر قرار است فیلم‌های مذهبی دوباره به جریان اصلی گیشه و فرهنگ عمومی بازگردند، باید مرحله ایده‌پردازی، جدی‌تر از گذشته مورد توجه قرار گیرد. این مسئولیت تنها بر عهده نویسندگان نیست؛ تهیه‌کنندگان، مدیران فرهنگی و سازمان‌های تولیدکننده نیز باید فرآیند توسعه ایده را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراحل تولید جدی بگیرند؛ مرحله‌ای که در آن، ایده اولیه، ساختار روایی، شخصیت‌ها، کشمکش‌ها و نقاط عطف داستان، بارها بررسی و اصلاح می‌شوند. یکی از کاستی‌های سال‌های اخیر، گهرنگ شدن توجه به فیلمنامه‌های اورجینال و مستقل است. بسیاری از آثار یا به بازتولید روایت‌های آشنا روی آورده‌اند یا گرفتار الگوهای تکراری شده‌اند. این در حالی است که جامعه مذهبی ایران، با همه تنوع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود، ظرفیت خلق ده‌ها روایت تازه را دارد؛ روایت‌هایی درباره خانواده، نسل جوان، هویت، ایمان، اخلاق، عدالت، سبک زندگی، مناسبات اجتماعی و چالش‌های انسان معاصر. این ظرفیت زمانی بالقول می‌شود که نویسنده فرصت مشاهده، تحقیق و تجربه زیسته را پیدا کند و مدیران فرهنگی نیز از ایده‌های تازه و جسورانه حمایت کنند.

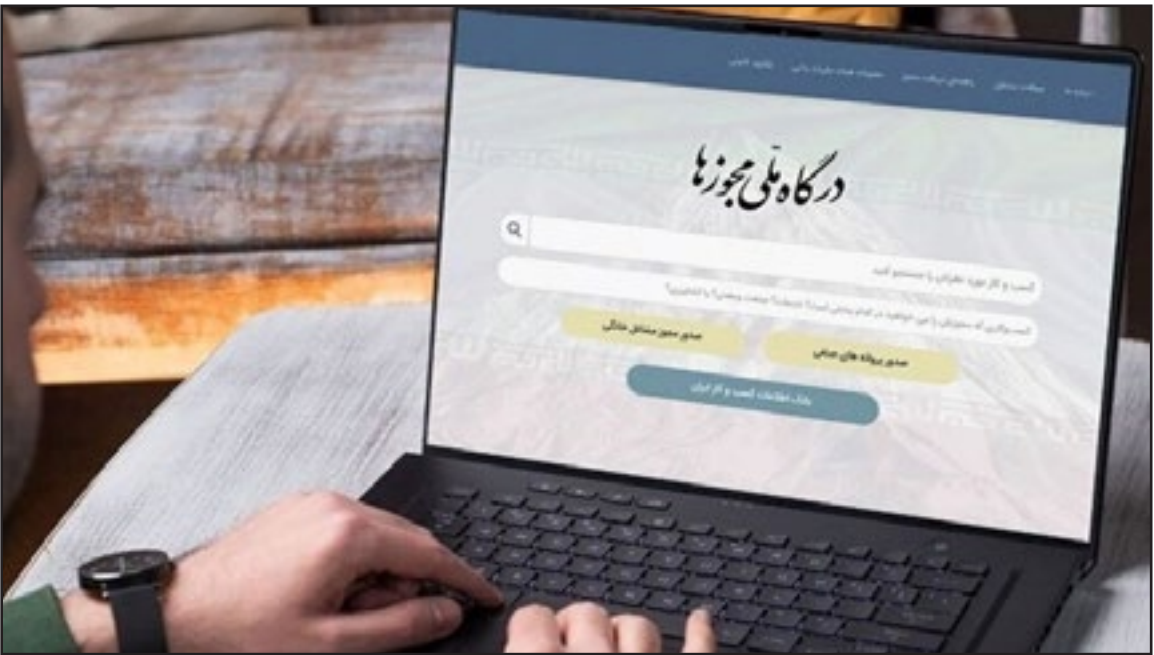
درام بدون شخصیت معنا پیدا نمی‌کند. شخصیت‌پردازی علمی، نیازمند شناخت روان‌شناسی فردی و اجتماعی است. نویسنده باید بداند شخصیت او چگونه فکر می‌کند، چه چیزی او را خوشحال یا نگران می‌کند، چه ارزش‌هایی برایش اهمیت دارد و در برابر بحران‌ها چگونه تصمیم می‌گیرد. پرداخت چنین شخصیتی تنها با مطالعه جامعه، گفت‌وگو با مردم، پژوهش‌های میدانی و شناخت لایه‌های مختلف فرهنگی امکان‌پذیر است. جامعه مذهبی نیز گروهی یکدست و همسان نیست؛ میان نسل‌ها، طبقات اجتماعی، مناطق جغرافیایی و حتی شیوه‌های زیست دینی، تفاوت‌های فراوانی وجود دارد. همین تفاوت‌ها می‌توانند به خلق شخصیت‌هایی چندبعدی، زنده و باورپذیر منجر شوند.

قصه‌گویی برای جامعه مذهبی، صرفاً یک ابزار سرگرمی نیست؛ بلکه بخشی از حافظه تاریخی و فرهنگی این جامعه به شمار می‌رود. بخش مهمی از آموزه‌های دینی، چه در قرآن کریم و چه در احادیث و روایات، از طریق روایت داستان منتقل شده‌اند. داستان انبیا، روایت‌های اخلاقی و حکایت‌های تاریخی، همواره نقش مهمی در انتقال مفاهیم دینی و تربیتی داشته‌اند. به همین دلیل، مخاطب مذهبی با زبان قصه بیگانه نیست، بلکه از دیرباز با آن زیسته و از طریق آن جهان‌بینی خود را شکل داده است. سینما نیز هنری است که جوهره آن روایت است. از این منظر، میان سنت قصه‌گویی دینی و زبان سینما، پیوندی عمیق و طبیعی وجود دارد؛ پیوندی که اگر به‌درستی شناخته شود، می‌تواند به تولید آثاری اثرگذار و ماندگار بینجامد.

البته موفقیت چنین آثاری تنها به فیلمنامه محدود نمی‌شود. کارگردانی، میزاسن، دکوپاژ، طراحی صحنه، نور، قاب‌بندی، موسیقی و جلوه‌های بصری نیز باید در خدمت روایت قرار گیرند. سینمای امروز، سینمای تصویر است و مخاطب انتظار دارد، افزون بر شنیدن یک داستان جذاب، تجربه‌ای زیباشناختی نیز کسب کند. استفاده خلاقانه از زبان تصویر، نه‌تنها جذابیت اثر را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند مفاهیم پیچیده را نیز بدون نیاز به دیالوگ‌های مستقیم منتقل کند.

در این میان، شناخت زیبایی‌شناسی مخاطب ایرانی نیز اهمیتی اساسی دارد. بخش مهمی از حافظه بصری جامعه ایران، ریشه در هنر، معماری و فرهنگ ایرانی – اسلامی دارد؛ جایی که فرم و محتوا در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. بهره‌گیری هوشمندانه از این میراث، می‌تواند به خلق جهانی بصری منحصر‌به‌فرد منجر شود؛ جهانی که هم اصالت فرهنگی خود را حفظ کند و هم با زبان سینمای معاصر سخن بگوید.

درگاه ملی مجوزها ۹/۵ میلیون مجوز صادر کرد



مدیر پروژه درگاه ملی مجوزها خاطرنشان کرد: بر اساس قانون مصوب سال ۱۴۰۳، تمامی مجوزهای صادرشده قدیمی در بخش‌های صنعتی و دستگاهی که فاقد کیوآر کد (QR Code) و شناسه یکتا بودند، موظف شدند ظرف مدت ۲ تا ۶ ماه نسبت به دریافت شناسه یکتا اقدام کنند. در همین راستا، از اردیبهشت‌ماه تا شهریورماه سال ۱۴۰۳، تقریباً ۳ میلیون مجوزی که در گذشته صادر شده بود، ثبت و به روزرسانی شد.

وی در ادامه تشریح عملکرد این سامانه اظهار کرد: تمامی مجوزهای کاغذی که در گذشته صادر شده بودند، اکنون دارای شناسه یکتا و کیوآرکد (QR Code) شده‌اند و اطلاعات آن‌ها در بانک اطلاعات کسب‌وکارهای درگاه ملی مجوزها قابل مشاهده است.

این مقام مسئول افزود: تمامی افراد حقیقی و حقوقی می‌توانند با مراجعه به صفحه اصلی درگاه ملی مجوزها و ورود به بخش «بانک اطلاعات کسب‌وکار»، با جستجوی دقیق، وضعیت صدور مجوزها را در شهر، منطقه و استان‌های مختلف مشاهده کنند. همچنین امکان نظارت مردمی فراهم شده است و عموم مردم می‌توانند در خصوص فعالیت یا عدم فعالیت کسب‌وکارهای ثبت‌شده اعلام نظر کنند که این گزارش‌ها در داشبورد مدیریتی درگاه ملی مجوزها رصد شده و به عنوان بازخورد ثبت می‌شود.

وی در خصوص نحوه نظارت بر دستگاه‌های اجرایی تصریح کرد: عملکرد دستگاه‌ها در زمینه صدور مجوزها و بازه‌های زمانی تأخیری آن‌ها به‌صورت منظم پایش و گزارش آن به خود دستگاه و سازمان بازرسی کل کشور ارائه می‌شود. دستگاه‌ها مکلف هستند در بازه زمانی قانونی به وظایف خود عمل کنند.

مدیر پروژه درگاه ملی مجوزها ادامه داد: ارزیابی عملکرد دستگاه‌

مدیر پروژه درگاه ملی مجوزها با تشریح آخرین وضعیت فعالیت این درگاه اظهار کرد: درگاه ملی مجوزها بر اساس قانون از سال ۱۴۰۰ راه‌اندازی شد که بحث راهبری کسب‌وکاری آن با مرکز ملی پایش و بهبود محیط کسب‌وکار وزارت امور اقتصادی و دارایی و راهبری فنی آن با سازمان فناوری اطلاعات ایران است.

وی گفت: درگاه ملی مجوزها در سال ۱۴۰۰ با آدرس اولیه خود شروع به کار کرد، اما با توجه به اشکالاتی که در آن سامانه به وجود آمد، بازطراحی سامانه در دستور کار قرار گرفت و از ابتدای سال ۱۴۰۱، درگاه جدید با آدرس Mojavez.ir فعالیت خود را آغاز کرد.

مدیر پروژه درگاه ملی مجوزها تصریح کرد: یکی از اهداف اصلی این درگاه، صدور برخط مجوزها و جلوگیری از دیوان‌سالاری و روند طولانی در صدور مجوزهای کسب‌وکار بود؛ چراکه پیش از این، متقاضیان برای دریافت مجوز از دستگاه‌ها و اصناف مختلف کشور با موانع و سدهای متعددی مواجه بودند و روند کار دچار چالش شده بود.

وی با اشاره به آمار عناوین مجوزهای موجود در این درگاه افزود: در درگاه ملی مجوزهای کسب‌وکار تقریباً ۴ هزار و ۸۷۶ عنوان مجوز تعریف شده است که از این تعداد، ۴۵۸ عنوان به مجوزهای مشاغل خانگی اختصاص دارد.

مدیر پروژه درگاه ملی مجوزها ادامه داد: مجوزهای خانگی همگی ثبت‌محمور هستند؛ یعنی اگر یک شخص حقیقی بخواهد مجوز فعالیت خانگی مانند ایجاد گلخانه، امکان اقامتی یا موارد مشابه را ثبت کند، می‌تواند در بازه زمانی حداکثر ۳ تا ۷ روز مجوز خود را به صورت ثبت‌محمور دریافت کند. استعلامات مربوط به این بخش نیز به صورت برخط توسط خود درگاه ملی مجوزها انجام و صادر می‌شود.

وی در تشریح وضعیت سایر مجوزها اظهار کرد: از میان کل مجوزها، هزار و ۳۰۰ عنوان مربوط به دستگاه‌های اجرایی نظیر وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت)، وزارت بهداشت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این مجوزها تاییدمحمور هستند، استعلامات خاص خود را دارند و روند بررسی و صدور آن‌ها باید توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط انجام شود. همچنین بیش از ۲ هزار عنوان مجوز نیز مربوط به مجوزهای صنعتی است که توسط اتحادیه‌ها و اصناف صادر می‌شوند.

مدیر پروژه درگاه ملی مجوزها با ارائه آماری از میزان درخواست‌ها و مجوزهای صادر شده تصریح کرد: از سال ۱۴۰۱ تاکنون، تقریباً ۱۲ میلیون درخواست در سامانه ثبت شده که از این تعداد، حدود ۹ میلیون و ۵۳۲ هزار مجوز صادر شده است. مابقی درخواست‌ها نیز شامل موارد غیرقابل صدور یا انصرافی بوده و در حال حاضر تقریباً ۳۱۲ هزار درخواست مربوط به اصناف و دستگاه‌های اجرایی در دست بررسی قرار دارد. وی با اشاره به ضمانت اجرایی قوانین این درگاه افزود: بر اساس قوانین مصوب وزارت امور اقتصادی و دارایی، برای صدور هر مجوز یک بازه زمانی مشخص برای دستگاه‌ها و اصناف تعیین شده است، چنانچه دستگاه اجرایی یا اتحادیه مربوطه در مهلت مقرر نسبت به صدور مجوز اقدام نکند، درگاه ملی مجوزها به طور خودکار (برخط) اقدام به صدور مجوز می‌کند و نظارت پسینی بر عهده آن دستگاه یا اتحادیه قرار خواهد گرفت.



صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان

زهرآ بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در جمع خبرنگاران به بررسی سالنامه آماری زنان و خانواده، درباره آخرین وضعیت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان اظهار کرد: موضوع موتورسیکلت از جمله مسائلی است که زنان سال‌ها با آن مواجه بوده‌اند. امروز با توجه به شرایط حمل‌ونقل و ترافیک شهرها، بسیاری از زنان از موتورسیکلت به عنوان وسیله‌ای برای تردد استفاده می‌کنند و این موضوع هر روز در حال گسترش است. وی افزود: مهم‌ترین وظیفه دولت این است که شرایطی فراهم کند تا زنان در استفاده از این وسیله با کمترین آسیب روبه‌رو شوند. تگ‌رانی ما این بود که به دلیل نداشتن آموزش‌های رسمی، گواهینامه و پوشش بیمه‌ای، در صورت وقوع حادثه، آسیب‌های بیشتری متوجه آنان شود؛ به همین دلیل دولت این موضوع را در دستور کار قرار داد.

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری گفت: در این مسیر همراهی مجلس، علما و روحانیون را نیز داشتیم و مراجع دینی نیز اعلام کردند که موتورسواری زنان ذاتاً حرام نیست و از نظر شرعی منعی برای آن وجود ندارد.

امروز زنان در حوزه‌هایی مانند خلبانی و رانندگی خودروهای سنگین نیز فعالیت می‌کنند و موتورسیکلت نیز یک وسیله حمل‌ونقل است.

بهروزآذر ادامه داد: همه مراحل اجرایی این طرح انجام شده و حتی نمونه اولیه گواهینامه نیز چاپ شده است. قرار بود صدور گواهینامه در اسفندماه انجام شود، اما همزمانی با شرایط جنگی باعث شد اجرای آن به تعویق بیفتد. در ماه جاری نیز برنامه رونمایی از نخستین گواهینامه‌ها پیش‌بینی شده بود که آن هم به دلیل شرایط ایجادشده برگزار نشد.

وی اظهار کرد: پلیس راهور متولی اصلی اجرای این طرح است. آخرین پیگیری‌هایی که انجام دادیم، امیدوارکننده بود و امیدواریم در همین ماه صدور گواهینامه برای زنان آغاز شود. معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در پاسخ به این پرسش که آیا اجرای این طرح نیازمند اصلاح قانون است، گفت: هیچ خلأ قانونی در این زمینه وجود ندارد و نیازی به تصویب قانون جدید نیست. این موضوع در گذشته با سکوت قانونی مواجه بود، اما اکنون با هماهنگی‌های انجام‌شده، مانعی برای اجرای آن وجود ندارد.

وی همچنین با اشاره به فعالیت بانوان در رشته موتورسواری افزود: امروز زنان موتورسوار حرفه‌ای و مدال‌آور در هیئت‌های ورزشی فعالیت دارند و قرار است از ظرفیت همین افراد به عنوان مربیان نخستین دوره‌های آموزش موتورسواری برای بانوان استفاده شود. بهروزآذر در ادامه درباره پرونده خشونت سایبری علیه تعدادی از دختران در استان لرستان نیز گفت: این اتفاق از تلخ‌ترین حوادثی بود که در ماه‌های اخیر با آن مواجه شدیم. در این پرونده، افرادی با دسترسی به تصاویر شخصی برخی دختران، تصاویر جعلی منتشر کرده و با هدف اخاذی از آنها سوءاستفاده کرده بودند.

وی افزود: با همکاری دستگاه‌های اطلاعاتی، قضایی، دادستانی و سایر نهادهای مسئول، این پرونده در مدت کوتاهی پیگیری شد و عاملان آن شناسایی و دستگیر شدند، اما در کنار برخورد قضایی، باید از وارد شدن آسیب مضاعف به قربانیان نیز جلوگیری کرد.

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با اشاره به گسترش استفاده از فناوری‌های نوین اظهار کرد: امروز هوش مصنوعی در کنار مزایای فراوان، زمینه سوءاستفاده‌هایی مانند تولید تصاویر و ویدئوهای جعلی یا «جعل عمیق» را نیز فراهم کرده است. به همین دلیل لازم است آگاهی خانواده‌ها، زنان و دختران درباره آسیب‌های فضای مجازی افزایش یابد و قربانیان چنین جرائمی مورد حمایت قرار گیرند، نه اینکه دوباره در معرض قضاوت و سرزنش قرار بگیرند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود درباره عدالت جنسیتی گفت: موضوع عدالت جنسیتی از برنامه ششم توسعه در دستور کار دولت قرار گرفته و هر سال شاخص‌های آن رصد و پایش می‌شود. وظیفه معاونت امور زنان و خانواده این است که با بررسی شاخص‌های مختلف، شکاف‌ها و نابرابری‌های موجود را شناسایی و برای رفع آنها به دستگاه‌های مسئول پیشنهادی لازم را ارائه کند.

بهروزآذر با اشاره به یکی از این شاخص‌ها افزود: امروز کاهش حضور زنان در رشته‌های فنی و مهندسی یکی از مواردی است که به عنوان یک شکاف قابل توجه شناسایی شده و باید دلایل آن بررسی شود تا بتوان برای کاهش این فاصله برنامه‌ریزی کرد. وی ادامه داد: موضوعاتی مانند اشتغال، بیمه، دورکاری، دستمزد و سایر شاخص‌های مرتبط با زنان نیز به صورت مستمر پایش می‌شود و هر جا نابرابری یا مانعی وجود داشته باشد، معاونت آن را برای اصلاح به دستگاه‌های متولی اعلام می‌کند.

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری همچنین درباره حق عالمه‌مندی زنان گفت: این موضوع از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم در دستور کار قرار گرفته و اکنون در کمسیون‌های دولت در حال بررسی است. البته اجرای آن نیازمند تأمین منابع مالی است و به همین دلیل بررسی‌های کارشناسی درباره آن ادامه دارد.

به‌صورت سالانه انجام می‌شود و دستگاه‌هایی که در انجام وظایف خود کوتاهی کنند، نمره منفی دریافت خواهند کرد؛ این نمرات منفی در آینده باعث محدودیت در دریافت خدمات بهینه دولتی برای آن دستگاه خواهد شد.

وی با اشاره به الزامات قانونی برای یکپارچه‌سازی سامانه‌ها افزود: طبق قانون، تمامی مجوزهای کسب‌وکار در کشور باید از طریق درگاه ملی مجوزها صادر شود. در همین راستا، از ابتدای سال ۱۴۰۴ با بهره‌گیری از سامانه «پنجره واحد زمین»، اتصال آن به درگاه ملی مجوزها در دستور کار قرار گرفت.

مدیر پروژه درگاه ملی مجوزها گفت: یکی از اقدامات موفق در این حوزه، اتصال مجوزهای سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر به درگاه ملی از طریق پنجره واحد زمین بود. این اقدام باعث شد موانع موجود بر سر راه متقاضیان احداث نیروگاه‌های خورشیدی به‌صورت شفاف احصا شود و با مشق‌های وزارت نیرو، شاهد صدور بیش از صد مجوز احداث نیروگاه خورشیدی در استان‌های مختلف کشور باشیم.

وی در پایان با اشاره به ابتکار وزارت اقتصاد برای جذب سرمایه‌گذاران خاطرنشان کرد: وزارت امور اقتصادی و دارایی به‌منظور جلوگیری از رانت در به‌رهمندی ناعدالانه افراد خاص از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، طرح «صدور مجوزهای بی‌نام» را در درگاه ملی مجوزها پیاده‌سازی کرده است. در گذشته، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در استان‌ها به دلیل نبود شفافیت، در اختیار افراد خاص قرار می‌گرفت که بدون اجرای طرح، تنها از تسهیلات آن منتفع می‌شدند. اکنون با همکاری وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صمت و اقتصاد، این خدمات در هفته دولت رونمایی خواهد شد و در اختیار تمامی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی قرار خواهد گرفت.



آنها همچنان وجود دارند، اما مسائل کلان‌تری نیز به آنها اضافه شده است. ما در علوم اجتماعی مفهومی به نام «درهم‌تیدگی مسائل» داریم؛ یعنی مسائل آن‌قدر به یکدیگر گره خورده‌اند که مانند یک کلاف پیچیده شده‌اند. این درهم‌تیدگی از سال‌های گذشته آغاز شده و هر سال، هر دهه، هر شرایط اجتماعی و هر موقعیت جدید، جنس این دغدغه‌ها را تغییر داده و آنها را متفاوت‌تر کرده است.

شاید مهم‌ترین تغییری که بتوان به آن اشاره کرد، این باشد که انسان گذشته خود را مکلف می‌دانست؛ خود را بنده خدا و مخلوق خدا می‌دید و تلاش می‌کرد تکلیفش را انجام دهد، اما امروز بیش از آنکه به تکلیف بیندیشد، خود را صاحب حق می‌داند. امروز افراد بیشتر به دنبال حق خود از خانواده، جامعه، همسر و دیگران هستند و این تغییر، ریشه در تحول مبانی معرفتی، ارزشی و هنجارهای اخلاقی جامعه دارد.

تغییر در این مبانی و سیال شدن آنها، به‌طور طبیعی جهان امروز را نیز دستخوش تغییر کرده است. در گذشته میان شهرهای بزرگ و کوچک تفاوت‌های زیادی وجود داشت و افراد عمدتاً سبک زندگی مشابهی داشتند، اما امروز رسانه‌ها و فضای مجازی این فاصله‌ها را از میان برداشته‌اند. امروز هر فرد می‌داند یک سلب‌ریتی خارجی چگونه زندگی می‌کند، چه می‌پوشد، چه می‌خورد و چه سبک زندگی‌ای دارد. حتی درباره سلب‌ریتی‌های داخلی و افرادی که در فضای مجازی مشهور شده‌اند نیز همین وضعیت وجود دارد. فضای مجازی تقریباً چیزی را خصوصی باقی نگذاشته و همین مسئله بر شکل‌گیری خواسته‌ها، انتظارات و دغدغه‌های نسل جدید تأثیر جدی گذاشته است.

بحران هویت؛ مهم‌ترین دغدغه دختران نسل جدید

■ خبرگزاری مهر، گروه جامعه: دغدغه‌های دختران ۲۰ تا ۳۰ ساله در سال‌های اخیر دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. تغییر الگوهای مرجع، گسترش فضای مجازی و تحولات فرهنگی از جمله موضوعاتی است که کارشناسان از آنها به عنوان عوامل اثرگذار بر سبک زندگی و اولویت‌های نسل جدید یاد می‌کنند. در همین راستا با اعظم شیری، دانشجوی دکتری مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، پژوهشگر حوزه زن و خانواده گفتگو کردیم.

اگر بخواهید دغدغه‌های دختران ۲۰ تا ۳۰ ساله را اولویت‌بندی کنید، سه مورد نخست چه خواهند بود؟

شیر: دغدغه‌ها متفاوت است و نمی‌توان یک نسخه واحد برای همه دختران ۲۰ تا ۳۰ ساله ارائه کرد. بخشی از دغدغه‌ها را باید به‌صورت کلی دید و بخشی دیگر را متناسب با شرایط منطقه‌ای، قومی و قبیله‌ای بررسی کرد. شرایط مختلف قطعاً در تغییر اولویت‌ها و دغدغه‌های دختران تأثیرگذار است.

اگر بخواهیم با توجه به ارتباطی که با دانشگاه‌ها و نوجوان‌ها داریم، به مهم‌ترین دغدغه این روزها اشاره کنیم، شاید بتوان از تغییر شخصیت یا به تعبیر دقیق‌تر، نداشتن الگوی واحد و منسجم نام برد. در گذشته دختران الگوهای ثابتی داشتند؛ مادر، عمه، خاله، زن‌عمو، زن‌دایی و زنانی که در اطرافشان بودند، الگوهای مرجع آنها محسوب می‌شدند. حتی سلب‌ریتی‌هایی که می‌دیدند نیز تقریباً دغدغه‌های مشترکی داشتند و همه به سمت یک آرمان حرکت می‌کردند، اما امروز به لطف رسانه‌ها این موضوع ضریب بسیار بالایی پیدا کرده است. امروز این پیام منتقل می‌شود که لازم نیست شبیه کسی باشید یا خودتان را به جایگاه فرد دیگری برسانید؛ بلکه خودتان می‌توانید یک مرجع و الگو برای دیگران باشید. همین سیالیت و نبود مرجعی که بتواند این وضعیت را سامان دهد، یکی از مسائل اصلی دختران و نوجوانان امروز است. بنابراین نخستین مسئله را باید نبود یا سیالیت الگوهای مرجع دانست. دومین مسئله، حضور فضای مجازی در زندگی است. فضای مجازی بسیاری از معادلات را تغییر داده است.

در گذشته بسیاری از امکانات و سبک‌های زندگی در اختیار گروه‌های خاصی بود و همه به آنها دسترسی نداشتند، اما امروز رسانه این تصویر را بازنمایی می‌کند که دیگر چیزی به نام حریم خصوصی وجود ندارد. امروز دختری که در پایین‌ترین سطح اقتصادی یا در نقطه‌ای دور از امکانات زندگی می‌کند، آرزوهای خود را بر اساس سبک زندگی فردی در نقطه‌ای دیگر شکل می‌دهد. همین مسئله تأثیر عمیقی بر ذهن و سبک زندگی او گذاشته است. به همین دلیل، حضور عمیق و آمیختگی فضای مجازی با واقعیت زندگی، دومین مسئله مهم دختران امروز به شمار می‌رود. سومین مسئله، ضعف مهارت‌های فردی و اجتماعی است. دختران امروز در بسیاری از زمینه‌ها از جمله خودشناسی، حل مسئله، کنترل هیجان، مهارت‌های ارتباطی، همسرداری، مادری و سایر مهارت‌های زندگی، آموزش کافی دریافت نکرده‌اند. گویی فرایند جامعه‌پذیری و تبدیل شدن به یک شهروند مسئول و یک انسان توانمند، آن‌گونه که باید، در آنها شکل نگرفته است.

وقتی با گروه‌های مختلف دختران صحبت می‌کنیم، به‌وضوح می‌بینیم



حرکت لاک پشتی

● منصور رشیدی در گفت‌وگو با خبرنگار ورزشی خبرگزاری تسنیم، درباره عملکرد تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ اظهار داشت: با وضعیتی که برای تیم ملی پیش آمد، لیگ نصف و نیمه‌ای که داشتیم و عدم بازی‌های تدارکاتی، انتظار بیشتری نمی‌رفت. وضعیت اسکان تیم ملی، مسیر رفت‌و برگشت به آمریکا و ... معضلاتی بود که تیم ملی با آن گریبان بود. با این حال، انتظار داشتیم تیم ملی بهتر بازی کند.

● وی افزود: باید در بازی اول برابر نیوزیلند برنده می‌شدیم تا شانس‌مان برای صعود بیشتر می‌شد. تیم ملی در ۲۰ دقیقه پایانی بازی با مصر فشار زیادی وارد کرد و موقعیت‌های زیادی نیز از دست داد. تیم مصر، ۳،۴ بازیکن چپ پا مثل مهدی قایدی داشت ولی ما بهتر از آنها یعنی خود قایدی را داشتیم که می‌توانست نتیجه بازی را تغییر دهد. با همه مسائلی که اتفاق افتاد، تیم ملی بد نتیجه نگرفت، هر چند می‌توانستند از گروه‌شان صعود کنند.

● وی در ادامه در خصوص وضعیت تیم فوتبال استقلال گفت: استقلال با پنجره بسته نقل‌وانتقالات کاری نمی‌تواند انجام دهد. سال گذشته با آن همه خرید، فقط دو بازیکن کار را در می‌آوردند که هر دو بازیکن (یاسر آسانی و منیر الحدادی) جدا شدند. وضعیت فوتبال ایران خراب شده و استقلال هم با همین وضعیت می‌خواهد در آسیا شرکت کند. تیم‌های عربی با جت در حال حرکت هستند ولی ما در فوتبال ایران لاک پشتی حرکت می‌کنیم.



حلقه مفقود

گر قرار باشد از مهم‌ترین چالش‌های امروز سینمای ایران سخن گفته شود، بی‌تردید یکی از نخستین پاسخ‌ها به بحران فیلمنامه بازمی‌گردد. سال‌هاست بسیاری از منتقدان و سینماگران معتقدند سینمای ایران، بیش از هر چیز، از کمبود قصه‌های تازه، شخصیت‌های ماندگار رنج می‌برد.

۶

بحران هویت

دغدغه‌های دختران ۲۰ تا ۳۰ ساله در سال‌های اخیر دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. تغییر الگوهای مرجع، گسترش فضای مجازی و تحولات فرهنگی از جمله موضوعاتی است که کارشناسان از آنها به عنوان عوامل اثرگذار بر سبک زندگی و اولویت‌های نسل جدید یاد می‌کنند.

۷

آقای فردوسی‌پور شرافت داشته باشید

خبرگزاری مهر، گروه ورزش: آقای فردوسی‌پور شما سال‌ها بر سر سفره پر نعمت صدا و سیما ی جمهوری اسلامی ایران نشستید. این رسانه بود که سرمایه مخاطب میلیونی، قابلیت دیدم‌شدن و بستری مناسب برای شکوفایی استعدادتان را بی‌چشم‌داشت در اختیار تان نهاد تا از یک فرد ساده به چهره‌ای مشهور در ذهن جامعه بدل شوید. این حقیقتی است که تاریخ از آن عبور نخواهد کرد اما در برابر این همه لطف چه پاسخی دادید؟ به جای وفاداری لگد زدید به همان آغوشی که شما را در خود پروراند. گویا کینه‌های کهنه از مدیران این سازمان چنان بر چشمتان پرده کشید که نامردی را زبانتار از وفاداری یافتید و هر چه باداباد مسیری را برگزیدید که جز تخریب بنیان‌های رشدتان حاصلی نداشت. این انتخاب شما بود و با اینکه زشت بود اما می‌گذریم. شما اما وقتی پرچم چهره‌ای صرفاً ورزشی را بر دوش می‌کشید چه نسبتی با ورود به حساس‌ترین مسائل سیاسی، طعن‌زنی به همه چیز و همه کس و توهین‌های بی‌سروته دارید؟ این رفتارها نقاب از چهره دیگری برداشت چهره‌ای که نه از سر دغدغه که از روی منافع زبان به سیاست گشود. اینک پرسشی که بر لب‌ها جاری است پشتوانه امنیتی شما کدام نهاد بود که چنان بی‌پروا هر سخنی بر زبان می‌راندید و هیچ‌کس یارای گفتن بالای چشمت ابروست نداشت و اگر جرأتی پیدا می‌شد و نقدی در می‌گرفت موجی از محتواهای هماهنگ و بریدم‌های هدمند در فضای مجازی راه می‌افتاد تا هر صدای مخالفی را خاموش کند. گویی در حصاری از مصونیت مطلق ناممکن‌ترین سخنان را ممکن می‌پنداشتید اما از این هم می‌گذریم.

از رانت می‌گفتید و لب به اعتراض می‌گشودید اما خود سرتاپا رانت بودید نفوذی کم‌ظنیر و حمایت‌هایی که کمتر کسی از آن بهره‌مند بود. از نحوه ورودتان به صدا و سیما بگویید، صادفانه و بی‌پرده از همان روزهای ابتدایی که مسیر برایتان هموار شد. این را هم از سر لطف می‌بخشیم و از کنارش می‌گذریم.

اما آنجا که سکوت خود به جنایت بدل می‌شود، دیگر نمی‌توان گذشت. شما هرگز حتی یک بار قاتلان هزاران ایرانی را محکوم نکردید. هرگز نگفتید آمریکای جنایتکار و اسرائیل خون‌ریز که هموطنان ما را پرپر کردند جنایتکارند. سکوت کردید سکوت سرد و حساب‌شده‌ای که بوی منافع شخصی می‌داد. این را هم می‌توان به مصلحت‌اندیشی تفسیر کرد و از آن عبور کرد.



دو کار بزرگ در فوتبال انجام دادم

او افزود: دستاورد دیگر این بود که توانستم نگاه و باور مسئولان فدراسیون فوتبال را نسبت به مربیان داخلی تغییر دهم و ثابت کنم که مربیان ایرانی نیز توانایی هدایت تیم ملی در بالاترین سطح را دارند. تأکید می‌کنم که از نقد منصفانه استقبال می‌کنیم و هیچ مشکلی با نقد سازنده نداریم.

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران با بیان اینکه همواره خود را پاسخگوی مردم دانسته است، اظهار کرد: بعد از جام جهانی و جام ملتها هیچ مربی‌ای از مردم عذرخواهی نکرد، اما من دو بار از مردم عذرخواهی کردم و امروز هم خودم را شرمنده مردم می‌دانم.

وی ادامه داد: ما در جام ملتها همان نتیجه‌ای را گرفتیم که بعدها مربی بعدی نیز به آن دست یافت، اما ما را کنار گذاشتند و همان نتایج برای مربی بعدی به گونه‌ای دیگر تعبیر شد و از او یک قهرمان ملی ساختند. قلعه‌نویی با انتقاد از برخی هجمه‌ها علیه تیم ملی گفت: متأسفانه یک عده بی‌وطن و ایران‌فروش وجود دارند که فقط به دنبال تخریب هستند.



طلسم مدال بانوان

● بیستمین دوره بازی‌های آسیایی از اواخر شهریور به میزبانی ناگویا آغاز خواهد شد و دوومیدانی ایران نیز در حال نهایی کردن برنامه‌های آماده‌سازی خود برای حضور در این رویداد مهم است. کاروان دوومیدانی ایران این دوره نسبت به بازی‌های آسیایی هانگژو با تعداد بیشتری ورزشکار راهی ناگویا خواهد شد. تیمی که در کنار افزایش تعداد نمایندگان یک ویژگی قابل توجه نیز دارد؛ تمام ورزشکاران اعزامی برای نخستین بار حضور در بازی‌های آسیایی را تجربه می‌کنند و هیچ‌یک سابقه رقابت در این آوردگاه بزرگ قاره‌ای را ندارند. البته اکثر این نفرات پیش از این در مسابقات قهرمانی آسیا و دیگر رقابت‌های بین‌المللی حضور داشته‌اند و با فضای مسابقات برون‌مرزی بیگانه نیستند.

● دوومیدانی ایران در دوره گذشته بازی‌های آسیایی هانگژو با کسب یک مدال طلا و یک مدال نقره در ماده پرتاب دیسک عملکرد قابل قبولی در بخش مردان داشت اما در بخش بانوان همچنان در حسرت کسب نخستین مدال تاریخ خود در این بازی‌ها مانده است. با این حال حضور نسل جدیدی از ورزشکاران و روند رو به رشد برخی از بانوان ملی‌پوش امیدها را برای شکسته شدن این طلسم و ثبت یک تاریخ‌سازی در ناگویا افزایش داده است.